

دولت است بفتح کارگران ادارات این پیشنهاد بفتح یکمده متفقدین است که در ادارات نفوذ مهمی دارند و می توانند چندین کرسی را برای خود اشغال کنند و این که فرمودند دولت می خواهد برای بیکاران کار پیدا کند وضع این قانون برعکس است بواسطه این که اگر می خواستند برای بیکارها کار پیدا کنند نباید دوشغل یا با حقوق یا بی حقوق بیک نفر داده شود و این که بعضی از آقایان می فرمایند کفالت است و شغل نیست اگر کفالت است چرا حقوق باومی دهند بنابراین اگر این قانون وضع شود بکلی برخلاف فرمایش آقایان خواهد بود که می فرمایند برای بیکاران کار پیدا میشود و بعنوان کفالت است .

اگر کفالت است هر کفیل اداره در موقعی که رئیس نیست حقوق خود را می گیرد و باید کفالت آن کار را بکند مثلاً وقتی بخواهند یک حاکمی را از کرمان یا خراسان یا جاهای دیگر معزول کنند و بجای او حاکم دیگر بفرستند معاون دارد و معاون حقوق معاونت خود را گرفته حاکم عوض میشود دیگر نباید دولت مبالغی اضافه حقوق باو بدهد .

دیگر اینکه حضرت والا فرمودند نسبت بمستخدمین دولت از فرمایشات آقای کازرانی توهین شده و آقای رفعت الدوله هم بعضی فرمایشات فرمودند بنده متأسفم که در این مملکت قانون مخابرات و رسیدگی نیست و اگر رسیدگی در کار بود معلوم میشد و از مستخدمین دولت هر کس خوب کار کرده بود او را تقدیس می کردند و هر کس بد کار کرده بود تکذیب میکردند و در صدر عزاش برمی آمدند و بنده مامورین طهران را نمی دانم ولی مامورینی که باطراف میروند غالباً دیده ام که خوب کار نکرده اند نه برای دولت و نه برای مردم . در هر صورت عقیده بنده اینست که بیک نفر دو شغل ندهند و اگر هم می دهند باید یک شغل او بی حقوق و یک شغلش با حقوق باشد .

رئیس - آقای گروسی مخالفید .

حاج شیخ محمد حسن

گروسی - بلی مخالفم .

رئیس - آقای کازرانی مخالفید .

آقای میرزا علی کازرانی - بلی بنده

هم مخالفم ؟

رئیس - آقای اقبال السلطان

( اجازه )

اقبال السلطان - این سه فقره ( ۱ )

و ( ب ) و ( ج ) مثل یک فقره میماند منتهی در یکی حقوق بیشتر معین شده و در یکی کمتر در قسمت اول آقایان مخالفت خودشان را اظهار فرمودند و حالا هم می خواهند در فقره دوم همان حرف هائی را که در فقره اول گفته اند مکرر کنند همینطور در فقره سوم و بنده گمان می کنم باین ترتیب مطلب طولانی خواهد شد و عقیده نداشتم اینقدر در این

خصوص مذاکره کنیم ولی آقای حاج میرزا مرتضی نسبتی بینده دادند که ناچارم جواب عرض کنم و ایشان گویا عبارت های بنده را ملتفت نشدند بنده عرض کردم دولت به نفع اجزاء ادارات این پیشنهاد را کرده زیرا پیشنهاد دولت این است که دو شغل را بیک نفر بدهند این بفتح دولت است یا به نفع اجزای ادارات

حاج میرزا مرتضی - باقیش را هم بخوانید .

اقبال السلطان - بلی البته دولت در بعضی از موافق مجبور می شود و ضرورت پیش می آید آنوقت می تواند کفالت یک شغلی را بیک نفر از مامورین خود بدهد نه این که دو شغل را بیک نفر واگذار کند حضرتعالی می فرمایند معنی کفالت و دو شغل را نفهمیدم کفالت یک شغل موقتی است و برای یکماه یا دو ماه است و ممکن است قدری بیشتر طول بکشد بعبارت آخری کفالت موقت است ولی شغل وقتش معین نیست .

رئیس - مذاکرات کافی نیست ( اغلب گفتند کافی است )

رئیس - قسمت سوم قرائت می شود ( آقای نظام الدوله بشرح ذیل قرائت نمودند )

در صورتی که کسی کفالت هم رتبه خود را بنماید حق دارد تمام حقوق خود را علاوه ثلث حقوق آن کسی را که قائم مقام او است دریافت دارد .

رئیس - آقای کازرانی ( اجازه )

آقای میرزا علی کازرانی - بنده بمناسبت یک اصل مسلم که حکم بر اغلب است و نظر باینکه افراد نادره موضوع حکم واقع نمی شوند یک نسبت هائی بمامورین دادم و از این جهت مورد تعرض حضرت والا واقع شدم پس باید بگویم تمام مامورین مقدس هستند و هیچکس در مملکت ماخلاف قانون نمی کنند .

رئیس - راجع باین موضوع نیست .

آقای میرزا علی کازرانی -

این مقدمه است عرض می کنم

رئیس - در اصل مطلب اگر حرفی دارید بفرمایید

آقای میرزا علی کازرانی -

بنده در اصل مطلب سابقاً هم عرض کردم مخالف هستم زیرا اگر اینطور بشود نه تنها کار برای اشخاص پیدا نمی کنیم بلکه کارهای دولت هم با اشخاص متفقد محدود می شود و یک بابی می شود برای خیانت های دیگر .

رئیس - آقای تدین موافقید .

تدین - بلی بنده موافقم

بعضی گفتند مذاکرات کافی است

رئیس - این دو فقره پیشنهاد رسیده

است قرائت می شود و رای می گیریم

( پیشنهاد آقای منتصر الملک بمضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم میزان حقوق و کفالت دهر سه مورد ثلث باشد

رئیس - آقای منتصر الملک ( اجازه )

منتصر الملک - بنده پیشنهاد کرده

ام در هر سه مورد میزان حقوق کفالت یک ثلث از حقوق آن شغلی باشد که کفالت می کند بجهت این که بنده می بینم مخالفت آقایان مخالفین غالباً

از نقطه نظر حقوق است و تصور می فرمایند بعضی اینکه این قانون گذشت فلان وزیر یا فلان متفقد چندین شغل را بعنوان ضرورت به یک نفر رجوع خواهد کرد .

حالا اگر بعضی از آقایان از ترتیبات اداری اطلاع نداشته باشند نباید آن آقایان را طرف اعتراض قرار بدهیم ولی آقایانی که از وضع ادارات اطلاع دارند میدانند که در یک موقعی دولت ناچار می شود

مثلاً ملاحظه بفرمایید فلان قنصل یا فلان مامور را احضار می کنند دولت به رئیس تذکره بایکی دیگر از همان مامورین آن شغل را ارجاع می کند و می گوید برای یک مدت موقتی شغل آن شخص را کفالت کند

بدیهی است او وقت خودش را برای کاری که برای او معین کرده اند باید صرف کند و دولت هم نمیتواند او را مجبور کند که

حتماً یک کار دیگر را هم کفالت بکند و این ادله که آقایان موافقین و آقای مخبر فرمودند تماماً صحیح است زیرا دولت یک وقتی ناچار می شود این کار را بکند و عقیده بنده این است که بیش از این مذاکره لازم

نباشد زیرا آقایان مخالفین از مخالفت خودشان منصرف نمی شوند برای اینکه منظور آنها هم این است که شاید در این موقع یک خرج های زیادی برای دولت پیش

بیاید بنابراین بنده تصور می کنم کسی که شغل مافوق خودش را کفالت می کند چون برای او یک افتخاری است بهمان ثلث

حقوق قناعت می کند زیرا هم افتخاری حاصل کرده است و هم در این مدت قلیلی که مثلاً فلان معاون کفالت کار فلان وزیر را میکند

یک ثلث از حقوق او را می گیرد . و اما کسی که رتبه مادون خود را کفالت میکند چون یک قدری زحمتش کمتر است داعی ندارد نصف بگیرد بعقیده بنده بهترین

است در آن مورد هم ثلث حقوق را بگیرد اما راجع بکسی که شغل متساوی خودش را متکفل می شود باز بعقیده بنده یک ثلث کافی است و برای اینکه پیشنهاد بنده از

آن مقداری که کمیسیون معین کرده کمتر است گمان میکنم آقایان مخالفین هم موافقت بفرمایند

مخبر - بنده می خواهم در موضوع

این پیشنهاد توضیحی عرض کنم ، آقای

منتصر الملک خودشان در کمیسیون بودند و اندوهمین مذاکرات را در آنجا فرمودند که کسی که متکفل شغل مافوق خود میشود بواسطه خنبه افتخار و شراف و غیره باید کمتر بگیرد

در راپورت کمیسیون بودجه هم این مسئله ملاحظه شده زیرا ملاحظه میفرمائید در قسمت ( ب ) گفته می شود نصف از حقوق شخصی و نصف از حقوق آن کسی را که قائم مقام او است دریافت دارد و وقتی این مقدار را حساب کنید و مقایسه با تمام حقوق مادون

و ثلث حقوق مافوق نمائید می بیند کمتر است . از روی حساب خیلی سهل باید معین کرد اینها در کمیسیون ملاحظه شده است .

رئیس - آقای زنجانی عضو کمیسیون

هستید .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی -

بلی .

رئیس - بفرمایید

آقا شیخ ابراهیم زنجانی -

بنده می خواستم اساساً در این خصوص توضیحی عرض کنم . ممکن بود این فقرات را تجربه کنند یکی را زیاد و یکی را کمتر پیشنهاد کنند و این حرف ها زده نشود بهر حال ما این ملاحظات را در کمیسیون کرده ایم و این پیشنهاد کمیسیون نزدیک تر به عقل است یا باید چیزی نداد یا باید اگر داد همین مقدار را باید داد که در این راپورت نوشته شده است

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای منتصر الملک آقایانی که قابل توجه می دانند قیام بفرمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد

اصلاح آقای سدید الملک قرائت

می شود

( بشرح ذیل قرائت شد )

این بنده پیشنهاد می کنم فقرات ماده

پنجم این قسم نوشته شود

فقره ( ۱ ) تمام حقوق شخصی و ثلث

حقوق رتبه مادون را بگیرد

فقره ( ۲ ) ثلث حقوق شخصی و نصف

حقوق آنکسی را که قائم مقام او است دریافت

دارد

فقره ( ۳ ) تمام حقوق خود و ربع حقوق

آنکسی را که قائم مقام او است دریافت

دارد .

رئیس - ماده پنجم را تجربه

خواهد کرد بایک مرتبه رای خواهد داد

( بعضی گفتند یکدفعه )

رئیس - آقای سدید الملک

( اجازه )

سدید الملک - بنده این پیشنهاد

را کردم که جمع بین نظریه آقایان را کرده

باشم شاید آقایان مخالفین هم قانع شوند ولی چون تصور می کنم قابل توجه نشود پیشنهاد خود را پس می گیرم  
رئیس - مسترد میفرمائید  
سیدید الملك - بلی استرداد می کنم

رئیس - يك اصلاح دیگر از آقای حاج میرزا علی عبدالوهاب رسیده است آنهم قرائت می شود  
(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم اگر مافوق متکفل شغل مادون شد مجانی باشد و اگر مادون مافوق را متکفل شد یا مساوی مساوی را متکفل شد به علاوه از حقوق خودش يك ثلث از حقوق مافوق یا مساوی را دریافت کند.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - این پیشنهاد بنده جواب مسئله احتکار را میدهد مثلاً اگر يك وقت حاکم خواست معاون یا سایر مامورینش را عوض کند دیگر حق گرفتن حقوق او را ندارد ولی يك وقت هست که ضرورت اقتضای کند حکومت کرمانشاهان را به معاونش رجوع کنند آنوقت حقوق خودش را بگیرد به علاوه يك ثلث حقوق مافوقش را و همینطور اگر رئیس يك اداره شغل مساوی خودش را تکفل کند تمام حقوق خودش را بایک ثلث از حقوق مساوی خود بگیرد ولی اگر مافوق خواست مادون را برای حقوق او بفرستد و غلبه ازین برد حق نداشته باشد

رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - دوفقره پیشنهاد تقدیم کرده بودم

رئیس - راجع باین پیشنهاد بود معتمد السلطنه - خیر پیشنهاد جداگانه تقدیم کردم

رئیس - نرسیده است

معتمد السلطنه - راجع به حقوق شخص است که در فقره اول و دوم ماده پنجم نوشته شده و عقیده بنده این است عبارت حقوق شخصی را تبدیل به حقوق شغل ثابت یعنی حقوق اداری بکنند بهتر است زیرا حقوق شخصی جزو مستمریات است و جزو حقوق اداری حساب نمی شود

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)  
رئیس - قابل توجه نشد راجع به اصلاح آقای معتمد السلطنه آقای معتمد السلطنه آقای مخبر چه میفرمایند

مخبر - قبول می کنم باین طریق که نوشته شود نصف از حقوق اداری خود و نصف از حقوق آنکسی را که قائم مقام او شده دریافت خواهد کرد

رئیس - ماده پنجم با اصلاح آقای معتمد السلطنه قرائت می شود

آقای نظام الدوله بمضمون ذیل قرائت نمودند

۱ - هر يك از مامورین دولتی که شغل رتبه مادون خود را متکفل باشد حق دارد تمام حقوق اداری خود و معادل نصف حقوق رتبه مادون خود را دریافت دارد

ب - هر يك از مامورین دولتی که بعنوان کفالت شغل بالاتری را اشغال نماید حق دارد نصف از حقوق اداری خود و نصف حقوق آنکسی که قایم مقام او است دریافت دارد

ج - در صورتیکه کسی کفالت هم رتبه خود را بنماید حق دارد تمام حقوق اداری خود را به علاوه ثلث حقوق اداری آن کسی را که قائم مقام او است دریافت دارد

رئیس - رای می گیریم ماده پنجم که شامل سه جزو است ....

اقبال السلطان - بنده عرض دارم .

رئیس - بفرمائید  
اقبال السلطان - مسؤل اجرای این قانون معین نشد

رئیس - چرا در راپورت نمره ۲ اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید رای می گیریم ماده پنجم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ششم قرائت می شود

(آقای نظام الدوله بمضمون ذیل قرائت نمودند)

وزارت مالیه مامور اجرای مواد پنجگانه فوق است

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - ماده ششم که سابقاً ماده چهارم بود تصویب شده است این ماده - ماده هفتم است ماده چهارم ماده ششم می شود دو ماده پنجم که همین ماده است ماده هفتم خواهد بود

رئیس - بلی يك ماده دیگر هم راجع به استخدام دولتی که در مدارس تدریس می کنند بود این ماده ماده هفتم است مجدداً قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۷) وزارت مالیه مامور اجرای مواد شش گانه فوق است

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد

مذاکرات در کلیات است اگر مخالفتی هست اظهار کنند . آقای حاج میرزا علی محمد

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده در این لایحه مکرراً اجازه خواسته ام ولی نوبت بیننده نرسیده حالا مجبور شدم عقیده خود را که یکی از رد کردند اظهار کنم .

این لایحه شامل تمام مشاغل دولتی است که از جمله آنها ریاست وزراء می باشد و در چند مورد از آن مواد مثلاً قسمت اول ماده پنجم می نویسد که :

هر کس شغل مادون خودش را کفالت کند .

شامل ریاست وزراء هم می شود یکی از آقایان فرمودند ریاست وزراء شغل نیست

بنده تمجب می کنم چطور آقایان می فرمایند شغل نیست

در صورتیکه شغل نیست چگونه حقوق دو وزارتخانه را برای يك نفر معین می کنند .

بیشتر مشاغل راجع به شخص رئیس - الوزراء است او هم يك شغلی است فرق نمی کند چه رئیس اداره باشد چه رئیس - الوزراء .

بنده با این قسمت که رئیس الوزراء شغل مادون خود را کفالت کند مخالفم و اگر بگویند موقتاً ریاست وزراء شغل مادون خودش را کفالت می کند

عرض می کنم که این مسئله بهیچوجه سابقه ندارد که رئیس الوزراء شغل مادون خود را موقتاً کفالت کرده باشد و همیشه هر رئیس الوزرائی می توانسته است یکی از وزارتخانه ها را شخصاً اداره کند باین ترتیب دارای سه حقوق می شود و بموجب این قانون دو حقوق از بابت ریاست و وزراء نصف حقوق يك وزیر را هم به عنوان کفالت خواهد برد

باینجهت بنده با حقوق رئیس الوزراء در صورتیکه این قانون شامل او هم بشود مخالفم

مخبر - تصور می کنم این اعتراض آقای دولت آبادی از نقطه نظر تعبیر و تفسیر است که آیا می شود شغل ریاست وزراء هم شغل فرض گردد و مشمول این قانون قرار داد یا خیر ؟

ولی اعتراض باین قانون نیست زیرا اگر ماده دیگر این قانون را ملاحظه بفرمائید مطلب روشن است

ماده سوم می گوید ارجاع و جمع دو شغل متمایز با دو حقوق اداری ممنوع است و ماده دیگر پیش بینی می کند که

لای الضروره موقتی شود کفالت شغل دیگر را به يك نفر وا گذار نمود  
ماده بعد هم حقوق مدت کفالت را معین می کند

حالا در موضوع ریاست وزراء همان - طور که فرمودید اگر سابقه تکفل روساء وزراء در يك وزارتخانه نگاه کنید ملاحظه خواهند فرمود که این مسئله موقتی نبوده بلکه دائمی بوده است

بنابر این نظریه حضرتعالی اعتراض باین قانون نیست فقط می خواهید یقین فرمائید که شغل ریاست وزراء شغل متمایزی است و از قبول يك وزارتخانه دیگر بموجب این قانون من بعد ممنوع خواهد بود یا خیر ؟

در این مورد بنده نظر شخصی خودم را عرض می کنم ( نظر کمیسیون نیست فقط نظر شخصی خودم است ) سابقاً عرض کردم حالا هم عرض می کنم که اولاً اینکه بفرمائید مقام ریاست وزراء يك حقوق خاصی دارد معنای ریاست وزراء را يك کار متمایز و يك شغل مخصوص نمی شود فرض کرد . رئیس الوزراء يك وزیری است که بسایر وزراء ریاست دارد می تواند بدون داشتن يك وزارتخانه هیئت وزراء اداره کرده و سیاست عمومی مملکت را اداره کند و اینکه آیا می تواند يك وزارتخانه دیگری را هم اداره نماید یا خیر ؟

منوط بنظر آقایان و مجلس است که هر طور صلاح می دانند تعبیر بفرمایند ولی این مسئله ایراد و اعتراض باین قانون و این قانون مراتب خودش محفوظ خواهد ماند و بنظر شخصی بنده برای پیشرفت امور باید این اختیار را به رئیس دولت بدهم . از برای اینکه بسا می شود يك رئیس - الوزرائی صلاح می داند که يك وزارتخانه را خودش اداره کند و حالا معمول شده است وزارت داخله تکفل می کند و لابد يك مصالحی در نظر دارد و ممکن هم هست يك رئیس الوزرائی بموجب مقتضای بخواهد وزارتخانه را قبول کند

اما نمی دانم آقایان این نظر بنده را یا بنظر آقای دولت آبادی چطور و بچه شکل جمع می کنند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - موافقت

محمد هاشم میرزا - بلی موافقت

رئیس - آقای سهام السلطان هم موافقت

سهام السلطان - بلی  
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - اگر چه آقایان رای دادند و بنده عقیده دارم که بمرایض بنده رای آقایان تغییر نخواهد کرد ولی بنده

رئیس . آقای محمد هاشم میرزا  
( اجازه )

محمد هاشم میرزا - با همین

ادله که خودشان فرمودند این تبصره لازم نیست بجهت این که قانون اساسی يك قانونی است مافوق قوانین عادی و مافوق حق تفسیر آن را داریم و تفسیر آن را هم غیر از جاهانی که تولید اشکال شود حق نداریم و معقولات این مواد قابل اشکال نخواهد بود و هیچ محتاج باین تبصره نیست والا اگر ما بخواهیم قائل باین تبصره شویم در هر قانونی که می گذرد باید از این تبصره ها بگذاریم بملایم فراموش نشود که در قانون اساسی هم مطلب بواسطه تفکیک قوای مقننه و قضائیه و مجریه است که آنطور قید شده است و نفی مطلقا هم کدر آنجا است بمقتضای بنده قابل تفسیر است و اگر تبصره باید در اینجا قید شود اول باید آن نفی تفسیر شود تا بنده عقایدم را در تفسیر آن عرض کنم بنابراین بنده با ذکر این تبصره مخالفم و اگر اضافه این تبصره قبول شود باید در اینضمم را در اصل آن ماده ها عرض کنم

رئیس - اگر کمیسیون قبول کند باید با اصل تبصره رای گرفت و اگر قبول نمی کنند باید بقابل توجه بودنش رای گرفته شود

مخبر - این اشکالی که شاهزاده محمد میرزا فرمودند بنده هم تا يك درجه وارد می دانم بنده هم عرض کردم قانون عادی ناقص قانون اساسی نیست و احتیاجی باین تبصره نداریم ولی برای این ماده يك توضیحی لازم بود و بنده باین توضیح نظر مخالفی تصور نمی کردم باشد ولی حالا که شاهزاده محمد هاشم میرزا مطلب را بقانون اساسی مراجعه می کنند و در موضوع تفسیر و فهم آن مواد يك اشکالاتی می کنند مطلب دیگری است.

بنابراین اگر برای پیشنهاد کنندگان نگرانی نباشد بهتر این است پیشنهاد خود را مسترد دارند برای این که قانون عادی هیچوقت ناقص قانون اساسی نیست.

معمد السلطنه . اگر تلگرافی

نباشد مسترد می دارم

رئیس . همین پیشنهاد دولت راجع بتقاضای ۶۷۱۶۰۰ فرانک برای مخارج تحصیلات یکساله خدمت فرم محصل و ۱۸ هزار تومان مخارج مسافرت بفرانسه قرائت می شود.

( آقای نظام الدوله بشرح ذیل

قرائت نمودند )

کمیسیون بودجه لایحه ۲۶۴۲ وزارت جنگ را دایر باهم ۶۰ نفر محصلین بااروپا تحت مطالعه قرار داده ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب مینماید

ماده واحده . مجلس شورای ملی تصویب می نماید که در هذالسنه ایتیل ۱۲۰۱ مبلغ ( ۶۷۱۶۰۰ ) فرانک مخارج

تحصیل یکساله ۶۰ نفر محصل نظامی در اروپا و مبلغ ( ۱۸۰۰۰ ) تومان برای مخارج مسافرت عده مزبور بفرانسه به وزارت جنگ اعتبار داده می شود . وزیر جنگ و فرمانده کل قشون . رضا .

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )

حاج شیخ اسدالله . با اینکه جزو دستور است ولی چون می دانم در اطراف آن خیلی مذاکره می شود و وارد شدن در آن امروز بی نتیجه است و قایده ندارد لهذا بنده تقاضا می کنم امروز مذاکره در این باب نشود بجلسه دیگر موکول شود و بمنظور که بمقام ریاست عرض کرده ام بعضی عرایض دارم که باید عرض کنم

رئیس . آقای شیخ الاسلام

( اجازه )

شیخ الاسلام اصفهانی . عقاید سیاسی مختلف است هم در مطالب اساسی و هم در مطالب عادی بسمارك بهرحوم ناصرالدین شاه کرده بود که ایران باید در تحت افتد ارات مذهبی ترقی کنند و دکتر شبل شمل که یکی از علمای طبعی است

رئیس - اگر در دستور حرف دارید بفرمائید .

شیخ الاسلام - خیر در دستور عرض ندارم

رئیس - ایشان اشتباه فرمودند یعنی بنده ایشان عرض نکردم که در کیفیت اینکه باید جزو دستور باشد یا نباشد حرف بزنند اگر آقایان موافق نیستند جزو دستور باشد باید رای بدهند

( جمعی گفتند از دستور امروز خارج و جزء دستور جلسه آتی باشد )

رئیس - پیشنهاد می فرمائید از دستور امروز خارج شود )

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

نصرت الدوله مخبر کمیسیون

بودجه - بنده از نقطه نظر مهربی کمیسیون بودجه توضیحی می خواهم و عرض می کنم پس از خارج شدن از دستور امروز در جزء دستور جلسه آتی گذاشته میشود یا خیر

رئیس - در موقعی که دستور را

معین میکنم از آقایان سؤال خواهد شد آقای حاج شیخ اسدالله و آقای ارباب کیهنرو اظهاری دارند آقای حاج شیخ اسدالله

( اجازه )

حاج شیخ اسدالله - قانونی که در چند جلسه راجع بدو حقوق در مجلس مطرح بود الحمدالله از مجلس گذشت از این مطلب که گذشتیم باید يك قدری وارد

شویم در اوضاع جاریه و نظر بکنیم در وضعیت کنونی و حالت بحران و در اوضاع واحوال اطراف مملکت و به بینم وضعیت مملکت ما امروز در چه حالتی است بحران طول کشید بله طول کشید همه می گویند طول کشید

اما چرا طول کشید بعضی از جراید نسبت طول بحران را به مجلس و وکلا می دهند .

( عده گفتند اینطور نیست )

حاج شیخ اسدالله - عرض کردم نسبت می دهند . و بعضی دیگر شاید يك نظریات دیگری داشته باشند . بنده هم بقدر راجع باین نسبتی که بمجلس و وکلا داده می شود عرض می کنم مجلسی که واضح قانون است خودش نمی تواند برخلاف قانون اقدام کند .

باید عملیات مجلس مطابق العمل بالنعل مطابق موازین قانونه باشد و در موقع بحران و یا استعفای يك رئیس الوزراء قانون اساسی می گوید اختیار تعیین رئیس الوزراء با شاه است باید اعلیحضرت رئیس الوزراء را تعیین کرده و بمجلس معرفی بکنند . پس از معرفی رئیس الوزراء و کابینه نمایندگان در اطراف پر گرام مذاکره می کنند اگر پر گرام موافق با مرام مجلس باشد رای اعتماد می دهند و هیچ نظریه شخصی ندارند و اگر مخالف با مرام مجلس باشد مجلس ورقه آبی می دهد این اختیاری است که قانون اساسی ب وکلا می دهد .

حالا اعلیحضرت در ایران نیستند در پاریس تشریف دارند حقا هم باید استعفا ب اعلیحضرت داده شود . قانون هم پیش بینی نکرده است که در موقع غیبت چه باید کرد حتی راجع بنایب السلطنه هم چیزی معین نکرده است آقای مشیرالدوله ب اعلیحضرت تلگراف شد . مدتی طول کشید جوابی نرسید و رئیس الوزرائی اعلیحضرت معین نکردند مجلس برای اینکه بحران طول نکشد تلگرافی ب اعلیحضرت کرد که چون آقای مشیرالدوله از تشکیل کابینه استنکاف دارند و حاضر برای تشکیل کابینه نیستند خوب است اعلیحضرت زودتر تکلیفی برای این کار معین بفرمایند تا بحران خاتمه داده شود . متأسفانه گویا تا بحال جوابی نیامده باشد و لسی شنیده می شود مغایراتی بین اعلیحضرت و نایب السلطنه و اشخاص دیگر در جریان است .

بنده که مسبوق نیستم آن تلگرافات چیست ولی عرض می کنم مطابق سابقه که در مجلس بوده بعد از استعفای يك رئیس الوزراء اعلیحضرت مراجعه بمجلس می فرمودند برای اینکه يك رئیس الوزرائی که بمجلس معرفی می شود در موقع پر گرام مجلس رد نکند و اضهارا اعتماد بآن رئیس الوزراء بکنند و نمایل مجلس را می خواستند . مقام ریاست هم يك جلسه خصوصی تشکیل می دادند تا بایل

مجلس را در آنجا معین می کردند و بعد استیفات و احزاب سیاسی که تمایل اکثریت را می فہمیدند اعلیحضرت آن شخص را بمجلس معرفی میکرد تا بحال چنین نظریه از مجلس خواسته نشده رئیس الوزرائی هم معرفی نشده و بنده تصدیق میکنم بحران خیلی طول کشیده و بحران هم خیلی خطرناک است لذا استدعا می کنم آقایان مساعدت بکنند و يك استدعائی از مقام ریاست بشود که مجدداً يك تلگرافی ب اعلیحضرت بشود و رضعیات ایران ب اعلیحضرت خاطر نشان شود و تقاضا کنند که زودتر ببهران خاتمه داده شود دیگر بسته بنظریات آقایان نمایندگان است این پیشنهادی است که بنده می کنم ولی هم بقدر عرض می کنم این نسبت طول بحران که ب وکلا داده می شود راجع ب وکلا نیست تعیین رئیس الوزراء بسته بنظریات اعلیحضرت است اعلیحضرت باید بمجلس معرفی کند چون تا بحال هم از طرف اعلیحضرت مراجعه بمجلس نشده است مجلس نمی تواند خودش يك اقداماتی بکنند پس برای اینکه خاتمه بوضعیات کنونی داده شود و برای اینکه جلو گیری از این هرج و مرج ها می که شروع شده بشود بنده پیشنهاد می کنم که اگر آقایان مساعدت می فرمایند يك تلگرافی در تعقیب آن تلگراف سابق ب اعلیحضرت مغایره شود که زود تر باین بحران خاتمه داده شود که زودتر دولت موفق شود .

این اوضاع اسفناکی که در اطراف مملکت شروع شده مرتفع سازد حالا بنده عرض نمی کنم این اوضاع از تاثیر بحران یا از تاثیرات دیگری است .

ولی بعضی تلگرافات و راپورت هایی که از صفعات مارسیه است بعرض آقایان میرسانم تا بدانند اهالی آن نقاط در چه حال هستند و پس از قرائت این تلگرافات تقاضای يك مساعدتی می کنم بواسطه سمت نماینده کی که هريك از آقایان از طرف تمام اهالی این مملکت دارند استدعا میکنم با من هم صدا بشوند و يك فکری برای خاتمه دادن باین وضعیت بنمایند اگر چه هريك از نمایندگان نماینده يك مجلس هستند ولی در موقع عمل مکلف هستند به تمام اصلاحات مملکت دخالت کنند و با هم دیگر هم صدا شده و برای اصلاحات مملکت با هم دیگر مساعدت بکنند .

اگر چه هیئت دولت معین نشده ولیکن قوای تأمینیه هست وزارت داخله ادارات مرتب دارد قانون دارد فرمانده کل قشون هست مطابق پیشنهادی که در کابینه اخیر شد قوای تأمینیه بمعهده وزارت جنگ و در تحت امر فرمانده کل قشون وا گذار شد .

حالا بنده تقاضا می کنم از مقام ریاست و آقایان بعد از قرائت این راپورت اقداماتی بفرمایند که آن مردم بیچاره ( در

اینوقت حالت گریه برای حاج شیخ اسدالله پیدا شد

رئیس - برای اطلاع خاطر آقایان مرض می کنم که الان يك تلگرافی از اعلیحضرت رسیده است برای رفع سوء تفاهم راجع بطول بهران هم گویا فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله کافی باشد اگر اجازه می فرمایید تلگراف اعلیحضرت قرائت می شود بعد تشریف برید در جلسه خصوصی مذاکراتی بفرمایید و تمایلات اکثریت را معلوم نمائید

حاج شیخ اسدالله - همه تلگرافات را بنده نمی خوانم همینقدر تلگرافی را که امروز رسیده است قرائت می کنم نصف شهر کلیایگان غارت شده شهر کلیایگانی که دارای سی هزار جمعیت است چرا ؟

برای اینکه سابقا که در آنجا اداره ژاندارمری تاسیس شد اسلحه که مردم داشتند از آنجا گرفته شد امروز تمام الوار مسلح و بخته و اهالی بیچاره آنجا را که اسلحه ندارند قتل و غارت نمودند

( مجددا حال گریه عارض شد )  
رئیس - تلگرافاتی سابقا رسیده بود و اقداماتی شده قوا هم اعزام شده است ( حاج شیخ اسدالله با حال گریه از مجلس خارج شدند )

رئیس - تلگراف اعلیحضرت قرائت می شود :  
( آقای منتصر الملك بمضمون ذیل قرائت نمودند )

به ریاست پارلمان - تلگراف شما رسید با تلگرافات مکرری که کردم و مساهی که مجلس شورای ملی بعمل آورد خیلی افسوس می خورم که جناب اشرف مشیرالدوله از مداوم و در خدمت امتناع نموده حالا هم احسن وجود این است خود ایشان متقاعد شوند و در صورتیکه ممکن نباشد تمایل اکثریت مجلس را تلگراف نمائید تا از آن قرار بهران خانه داده شود شاه

رئیس - جلسه آتی روز پنجشنبه پس فردا چهار ساعت بظهر مانده

دستور اول - لایحه حق العبور خط بین طهران و دماوند

ثانیا لایحه راجع باعزام معصلین نظامی بفرانسه برای شرفیابی خدمت والا حضرت اقدس ولیعهد هم بایستی چند نفر بقره معین شود سابقا عده دوازده نفر معین میشد حالا هم اگر مخالفی نباشد ۱۲ نفر معین شود

( بعضی گفتند شش نفر کفایت میکند )  
رئیس - شش نفر باشد

آقای نظام الدوله استقراع نموده و آقایان مفصله ذیل معین شدند

آقایان سلیمان میرزا - حاج میرزا

عبدالوهاب - سالار معظم - رئیس التجار - سدید الملك - قضا نگر خان

مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس - مؤتمن الملك جلسه صدویك صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه یازدهم شوال ۱۳۴۰ مطابق هیجدهم برج جوزا ۱۰۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر برباست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

( صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند )

رئیس - گویا نسبت بصورت جلسه مخالفی نباشد

آقای میرزا محمد نجات - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

آقای میرزا محمد نجات - در جلسه قبل بنده عرض کردم شکایتی که از شهر رسیده يك ماه قبل از خانه انتخابات بوده است و در اینجا بعد از خاتمه انتخابات نوشته شده است

رئیس - اصلاح میشود

امیر ناصر - قبل از خانه انتخابات نوشته شده است

رئیس - درست نوشته شده است پس این ایراد وارد نیست دیگر ایرادی نیست ؟

( اظهاری نشد )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد يك فقره لایحه از طرف دولت رسیده بود راجع به اعطای حق اولویت نسبت بامتداد خط آهن اکاوئل در يك شعاع بیست فرسخی اطراف طهران به طومانیاس ها و همینطور استفاده از آبشارهای پس قلعه ارسال میشود بکمیسون فوائد عامه یکی دو فقره هم تقاضای شهریه خیلی جزئی چهار تومان و پنج تومان و شش تومان است بکمیسون بودجه ارجاع میشود

دستور امروز اول لایحه است که از طرف دولت سابق راجع به تقاضای اعتبار هیجده هزار تومان برای مخارج مسافرت و شصت و هفتاد و يك هزار و شصت فرانك برای خرج تحصیل شصت نفر محصل نظامی اعزامی به فرانسه رسیده بود قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می نماید که در هذالسنه ایتیل ۱۳۰۱ مبلغ ( ۶۷۱۶۰۰ ) فرانك مخارج تحصیل یکساله شصت نفر محصل نظامی در اروپا و مبلغ هیجده هزار تومان برای مخارج مسافرت عده مزبور بفرانسه بوزارت جنگ اعتبار داده میشود

( رئیس الوزرا - وزیر جنگ و فرمانده کل قشون )

رئیس - آقای شیخ الاسلام ( اجازه )

شیخ الاسلام - در جلسه قبل عرض کردم نظریات و عقاید سیاسی مختلف است این سیاست مدار عالی قندار بیسمارك می گوید ایران اداره نمیشود مگر در سایه اقتدارات مذهبی بعضی از حکمای طیبی نوشته اند لایصلح الانسان مادام فیه الدین والوطن اوهم می گوید تا اسم دین و وطن در دنیا است دنیا اداره نمیشود این دو عقیده متضاد است یکی در حد افراط است و می گوید مملکت اداره نمیشود مگر در سایه دین و یکی در حد تفریط است و می گوید تا اسم دین در دنیا است دنیا اداره نمی شود

محمد هاشم میرزا - کدام حکیم چنین چیزی گفته است

شیخ الاسلام - بعضی هم هستند که به يك حد متوسطی قائلند این صحیح است خوب است مطاع است و انسان بی دین در دنیا از هر قسمی از هر حیوان درنده از هر سمی برای بشریت مهلك تر است ولی دیانت چیزی و سیاست چیز دیگری است آنها دواصل مختلفند بنده متقدم به آن ترتیب اولی یعنی متقدم باینکه سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست است و این عقیده هم با قانون اسلام تطبیق میشود حالا آن کسانی که حد وسطی را قائلند و يك چیز هائی در نظر دارند که عقیده خودشان را با آن تطبیق می فرمایند آن را بنده نمی دانم این عقیده بنده بود که اظهار کردم و بکنفر محاسب که هیچ کاری سواي حساب کردن ندارد هر قسم حسابی را که بیاورند چرتکه را می گذارند و آن حساب راحل می کند حساب قند بلژيك را می آورند با چرتکه حل می کنند حساب قماش منچستر را می آورند با چرتکه حل می کنند حساب قالی جوهری را که در مجلس شورای ملی دو جلسه تمام وقت مجلس صرف آن شد و مسکوت عنه ماند رجاعت کثیره از ایرانیان منتظر حل این قضیه هستند می آورند با چرتکه حل می کنند همین قسم هم ما باید هر مطلبی که عنوان میشود دین را در نظر بگیریم و آن قضیه را در سایه دیانت حل کنیم و این مطلب در همه مجلس شورای ملی هم سابقه دارد در دولت مشروطه مؤسسه بالاتر از مجلس شورای ملی نیست وقتی میخواستند مجلس را مفتوح کنند قرآن را گذارده اند و دو آیه که دلالت میکرد است بر صحت شورای بایك قلم جلی نوشته اند یکی را درست راست و یکی را در طرف چپ نصب کرده اند ( و شاید هر يك هم دلالت بر چپ و راست داشته باشد ) و بعد از آن

مجلس را تشکیل داده اند این مقدمه را عرض کردم که تصور نشود بنده این را برای خودم حربه کرده ام

این یکی از اصول مسلمة است که عقیده آزاد است این است که هر وقت هر مطلبی عنوان میشود بنده مستمسك میشوم بادیانت

محمد هاشم میرزا - این عقیده منحصر بشما تنها نیست عقیده همه ما این است

شیخ الاسلام - باز عرض میکنم در مثل مناقشه نیست

در دوران لایحه وزارت جنگ هم بنده چرتکه را می آورم و جلو می گذارم و صاحب شریعت اسلام به مسلمانها توصیه فرموده اند که هر کجای عالم علم است آنرا تحصیل کنند و اگر به اخبار و کتب آن رجوع شود معلوم می شود چندین هزار فضیلت در تعلیم علم و در ترغیب و تشویق علماء ذکر شده است طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة تمام مردهای مسلمان باید تعلیم علم کنند تمام زنهای مسلمة هم باید تحصیل علم کنند

اطلبوا العلم ولو بالعبین اگر يك علمی خیلی هم دور باشد نباید مسامحه کنند باید طی مراحل نموده بروند آن علم را تحصیل کنند ولو هر کجای دنیا هم باشد العلم همان علم الابدان و علم الادیان می فرماید مسلمان ها خیال نکنند دین فقط نماز و روزه و احکام مذهبی است ؟ خیر تحصیل علوم معاشیه هم لازم است میفرماید من که پیغمبر هستم به شما دستور می دهم که تمام علوم معاشیه را تحصیل کنید حالا يك علوم هم جدید است در دنیا عرض اندام کرده که بنده برای تشخیص آن خیلی کوچک هستم که آیا این علوم رویهم رفته بحال بشر صالح است یا فاسد

آیا بشر تلگراف را می خواسته است که به يك فاصله کسی از عالم جدید به عالم قدیم خبر بدهد و زینین راهم می خواسته است که از بالا بوسیله آن بر سر او آتش بریزند یا هیچکدام را نمی خواسته است ؟ این يك اصل بزرگی است که حالا موقع شتال و جواب آن نیست به رجعت مسلم است این علوم امروزه را باید تحصیل کرد زیرا هر ملتی دارای این علوم نباشد نمی تواند در دنیا زندگانی کنند و نمی گذارند آسوده باشد تحصیل این علوم هم برای ماها یکی از سه وجه ممکن است یا اینکه مستشار بیاوریم و عملا این علوم را تحصیل کنیم بنده با این اصل کاملا مخالفم و در موقع خودش هم آنچه لازم مخالفت است عرض خواهم کرد

می خواهد پیش برود می خواهد پیش برود يك قسم هم این است که برویم معلم بیاوریم و ابتناء ایرانی را بدست او بیازیم که در زیر دست او تحصیل کنند بنده قبل از آنکه این مسافرت اخیر را بطهران بکنم باین اصل معتقد بودم در اوایل هم عقیده خودم را بر عرض آقایان رسانیدم ولی در این سفر يك چیز هائی شنیدم

بلکه دیدم که بالمره از این اصل هم منصرف شدم و تصور می کنم اگر هزارها از این قبیل معلمین که قبلاً هم آورده ایم بیآوریم (که غیر از آنها هم ما نخواهند داد) بهیچ جا نخواهیم رسید قسم سوم این است که چنانچه در این لایحه نوشته شده است يك عده را بهارچه اعزام كنیم كه علوم جدید را تحصیل كنند و سلامتی مراجعت نمایند این است که بنده تصور می کنم امروز يك روز مبارك و مبهونی است که این لایحه بمجلس آمده و ما باید نهایت قدردانی و تشکر را از آقای مشیرالدوله و آقای سروراسیه داشته باشیم که در کابینه خودشان این لایحه را به مجلس شورای ملی تقدیم کرده اند و بنده کاملاً با این عقیده موافقم و آرزو مندم که ابتداء ایران بزودی برون و آن علوم را تحصیل نموده مراجعت نماید و ایران را بمقامات عالی تر از این که فعلاً دارا می باشد برسانند ولی مخالفت دارم در دو نکته از مطالبی که در این راپورت نوشته شده یکی این است با وجود اینکه اطلاعات بنده کم است

**يك نفر از نمایندگان -** صحیح است.

### شیخ الاسلام - خوب است قدری

احترامات مجلس شورای ملی را در نظر داشته باشید و مجلس شورای ملی را در معرض مضحکه قرار ندهید. عقیده بنده این است که رفتن تمام این شصت نفر بفرانسه صحیح نیست و باید سی نفر از آنها بفرانسه و سی نفر به آلمان بروند و مطابق اطلاعاتی که بنده از روزنامه ها پیدا کرده ام و از معلمین هم شنیده ام اگر مایك نفر شاگرد بفرانسه و پنج نفر به آلمان بفرستیم مهارتشان مساوی است و این صرفه اقتصادی را بطور قطع و یقین برای ما دارد بملاوه ما باید دستهای خودمان را باز بگذاریم و ملاحظه رفاقت و دوستی از طرفین باشد دوستی و رفاقت از یکطرف اسباب دردسر است يك مطلب دیگر که در این لایحه هست و بنظر بنده صحیح نیست این است که نوشته شده است این آقایان بروند در فرانسه و بعضی از آنها يك سال و بعضی دو سال تحصیل نمایند. این مسئله گمان نمی کنم در هیچ کجای دنیا هم سابقه داشته باشد و گمان نمی کنم ولو هر قدر هم مدارس آنها منظم باشد و دلسوزی درباره این شاگردان شود نتیجه حاصل شود و عقیده بنده این است آنها را که در صنف میروند قرار بگذارند افلا دو سال و آنها را که در مدرسه میروند چهار سال بمانند و تحصیل كنند اینطور خیلی بهتر است زیرا تحصیل يكساله برای برای آنها را که در صنف میروند و تحصیل دو ساله برای آنها را که در مدرسه میروند خیلی کم است و هیچ فایده ندارد چهار سال

و پنج سال و ده سال برای يك ملت چیزی نیست اینها يك عمر شخصی نیست که بگویم زیاد است آنها يك عمر های ملی است و اهمیتی ندارد و اینکه بگفته از این شصت نفر پس از يكسال وعده دیگر پس از دو سال به ایران مراجعت نمایند بعقیده بنده صحیح نیست و اما دو مطلب هم است که باید در این لایحه اضافه شود. یکی این است که چند نفر اشخاص عاقل کامل تمام مسلمان برای نظارت در امور این عده که بارویا اعزام می شوند با آنها برونند که آنها سر خود نباشند که بعضی رسیدن بارویا دین و آئین خودشان را بیوسند و بر سرشان بگذارند و بگذارند کنار و خدای نخواسته مشغول بعضی کارهایی که شاید سایرین بوده اند بشوند و این چند نفر که با آنها هستند از فساد اخلاق آنها جلوگیری کنند در این لایحه نوشته شده است چهار نفر صاحب منصب ارشد با آنها همراه باشد اگر مقصود از این چهار نفر همان است که بنده عرض کردم مقصود حاصل است نهایت باید دقت کاملی بشود و این چهار نفر صاحب منصب خیلی کامل باشند اگر چه بمحمد الله آنچه بنده دیده و شنیده ام صاحب منصبان قشون ما تماماً مراتب اسلامیتشان کامل است ولی علی الظاهر دقت بفرمایند که خیلی کامل باشند یکی هم این است که این عده اعزامی را از فقرا انتخاب نمایند زیرا روح این مطلب برای کشته شدن است و چیزی نیست که اغنیاء و متمولین اطفال خودشان را بفرستند. خوب است هر شصت نفر از اولاد فقرا انتخاب و اعزام دارند

### نصرت الدوله -

قسمت اول از فرمایشات آقای شیخ الاسلام را وظیفه بنده نیست جواب عرض کنم ولی چند چیز را یادداشت کرده ام که باید جواب آنها را عرض کنم یکی از فرمایشات ایشان بموافقت کامل با این لایحه این بود که این عده که اعزام میشوند نصف آنها بفرانسه و نصف به آلمان بروند اصلاح دیگری که می خواستند راجع بکمی مدت يكسال و دو سال بود اصلاح سیمی ایشان این بود که برای نظارت همراه این عده چند نفر فرستاده شود كه مخصوصاً در موضوع دیانت آنها نظارت داشته باشند چهارم قضیه انتخاب آنها بود اما راجع بقسمت اول یعنی تقسیم کردن معصیلین اعزامی بفرانسه و آلمان بنده تصور می کنم وزارت جنگ دو نکته را ملحوظ داشته که خودش باین عقیده و خیال نیفتاده و یکی این است اشخاصی را که می خواهند بفرستند يك جوانها و بچه ها را نیستند که برای آنها يك مدت متداری در نظر گرفته شود که علوم مقدماتی و زبان آن مملکت را تحصیل بکنند که بعد بتوانند از علوم عالی استفاده کنند ناچار اشخاصی را كه می فرستند اشخاصی هستند که بعد رشد رسیده و زبان آن مملکتی هم که میخواهند بروند در آنجا

تحصیل کنند می دانند و دیگر محتاج نیستند مدتی در آنجا تحصیل الفباء و نكات مقدماتی را بکنند و این مسئله از نقطه نظر اقتصاد هم لازم است و اگر آقای شیخ الاسلام به اهالی این مملکت و اشخاصی که کم و بیش تحصیل السنه خارجه را کرده اند مراجعه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که از نقطه نظر تناسب آلمانی دان خیلی کم است بلکه بنده تصور میکنم در تمام قشون و صاحب منصبان این مملکت ده نفر آلمانی دان پیدا نشود که وقتی با آلمان فرستاده میشوند مستغنی باشند از اینکه چهار پنج سال وقت خود را صرف اصول مقدماتی و ابتدائی بکنند ولی زبان فرانسه از چندین سال باین طرف شیوعی پیدا کرده است و غالب اشخاص از السنه خارجه فقط فرانسه را تحصیل کرده اند و بملاحظه اینکه این مسئله کار آنها را آسان میکند که معصیلین را به فرانسه میفرستند يك نقطه نظر دیگر که گمان میکنم وزارت جنگ داشته است این بوده است اگر چه حق این بود که نماینده از طرف وزارت جنگ در این جا باشد و این نقطه نظر را بیان کند ولی حالا که نیست عرض میکنم در يك مملکتی که قشون تاسیس میشود باید از روی يك اصول واحد باشد - آلمانیها و فرانسویها هر يك در اصول نظامی خودشان چه در مسائل کلی و چه در مسائل جزئی يك رویه و سلیقه های مختلفی دارند و اگر ما میخواهیم که سی نفر بفرانسه و سی نفر با آلمان بفرستیم وقتی این اشخاص مراجعت کردند و خواستند افراد نظامی مارا تربیت بکنند هر کدام از آنها بر طبق اصولی که به آنها تعلیم شده است می خواهند تعلیم بدهند و این مسئله تولید دو بیت می کند که از نقطه نظر نظامی بحال نظام مضر است معصیلین نظامی را همیشه باید به يك مملکت فرستاده که از روی يك اصول واحد تربیت شوند و گمان می کنم این دلیل کافی باشد برای اینکه به آقای شیخ الاسلام و سایر آقایان ثابت و مبرهن بشود که وزارت جنگ و کابینه آقای مشیرالدوله يك نظر خصوصی و رفاقت و يك نظر سیاسی در این خصوص نداشته اند و فقط نقطه نظر تسهیل امر و وحدت تعلیم بوده است و اما نسبت به مسئله مدت تحصیل آنها و قضیه يكسال و دو سال البته يكسال بنظر خیلی کم می آید ولی باز هم این نقطه نظر وزارت جنگ مبتنی بر این بوده است که در اروپا مخصوصاً در فرانسه که خود بنده هم مسبوق هستم يك مدارس مخصوصی در مراکز افواج هست که آن را مدرسه سوز افسیه می گویند یعنی مدرسه صاحب منصبان جزء که دوره او برای خود فرانسویها شش ماه است و وقتی يك کسی داخل خدمت نظامی میشود و سرباز میشود در صورتیکه هیچ تحصیل

مقدماتی و ابتدائی نظام را نداند هم بقدر که خواست ارتقاء رتبه پیدا کند يك مدتی از وقت خودش را صرف میکند یعنی پنج شش ماه در آن مدرسه کار می کند و همان تحصیلات مقدماتی شش ماهه کافی است که او را صاحب منصب جزء بکنند حالا این آقایانی را که می خواهند از اینجا بارویا اعزام دارند و دوره تحصیل آنها را يكسال در نظر گرفته اند از نقطه نظر عمل است نه برای تحصیلات خیلی مفصل یعنی پس از اتمام دوره مدرسه در یکی از افواج داخل شده و مدتی هم در آن فوج عملیات بکنند که در موقع مراجعت بایران يك صاحب منصب های تجربه کرده و با معلوماتی باشند و در این نقطه نظر وزارت جنگ خواسته است هم ملاحظه صرف وقت و هم ملاحظه صرف مال را کرده باشد آقای شیخ الاسلام اشاره فرمودند چهار سال و پنج سال برای امتداد تحصیل معصیلین عمر ملی حساب میشود و اهمیتی ندارد صحیح است پنج سال ده سال از عمر يك ملت چیزی نیست و این يك اصل مسلمی است لکن اشخاصی که باین اصل قائلند آن ها نقطه نظرشان با افراد يك ملت نیست بهیئت جامعه يك ملت و بالاخره بزرگسبونی ها و طبقاتی است که میروند برای آن ها يك اقداماتی می کنند و يك نتایجی میکنند البته صد سال یا دویست سال هم درزندگانی يك ملتی چندان اهمیت ندارد ولی برای احتیاجات فوری و فوری و فعلی يك ملتی مثل ملت ایران يكسال و دو سال و پنج سال با هم خیلی متفاوت است و بنده وزارت جنگ را خیلی تقدیر میکنم که رعایت این مطلب را کرده است که هر چه زودتر يك اشخاصی را باین مملکت برگرداند که يك معلومات کافی برای رفع ضروریات فعلی قشون دارا باشند و راجع بمسئله دو سال هم كه فرمودند برای استحضار خاطر تمام آقایان عرض میکنم که مدارس نظامی فرانسه که برای خود فرانسه صاحب منصب تهیه می کنند اصلاً دوره آنها بیشتر از دو سال نیست.

حالا اگر آقای شیخ الاسلام لازم میدانند که آنها را مجبور کنیم يك مدرسه یا دوره پنج سال برای ما تهیه کنند این مسئله محتاج بيك مقدماتی است والا اگر ما میخواهیم يك عده را بفرستیم که در آن جا مشغول تحصیل علم نظام بشوند و در مدارس نظامی داخل شوند

مثلاً در مدرسه پیاده نظام که اسم آن مدرسه در فرانسه سن سیز است یا در مدرسه سن مور که مختص سواره نظام است یا مدرسه پولی تكك نيك که اختصاص بتوپ خانه دارد هيچيك از این مدارس دوره اش بیش از دو سال نیست ولی البته آن اشخاصی که در این مدارس داخل میشوند معلومات

مقدماتی را بقدر کفایت دارا هستند و دو سال تحصیل در آن مدارس برای آن ها کافی است و صاحب منصبانی که از این جا ایزام می شوند سعی میکنند که مقدمات و معلومات ابتدائی آن ها بقدر کفایت باشد و مطابق اطلاعاتی که بنده حاصل کرده ام در ارکان حرب مرکزی مجلس امتحانی تشکیل شده و کلیه اشخاص را چه در مدارس نظامی اینجا و چه در مدارس دیگر تحصیل نموده باشند و در صف خدمت می کرده اند و صاحب منصب بوده اند در ارکان حرب حاضر و امتحان میکنند و پس از امتحان لایق ترین و با اطلاع ترین صاحب منصبان آن ها را بفرانسه ایزام مینمایند که در آن مدارس آن دو سال را هم تحصیل کرده و بایران مراجعت نمایند و رفع ضروریات قشونی این مملکت را بنمایند

قسمت سوم فرمایشات آقای شیخ الاسلام که راجع بفرستادن اشخاص برای نظارت همراه این صاحب منصب ها بود که اعمال و اخلاق آن ها مخصوصاً اصول دینی آنها محفوظ بماند گمان میکنم آقا تصور فرموده اند اشخاصی که از اینجا بفرانسه ایزام می شوند بجه های هشت و نه و ده ساله هستند والا تصدیق می فرمائید يك اشخاصی که بیست و هشت یا سی سال از عمرشان می گذرد و در خود را در مملکت خودشان در بین همفکرها و همزبان ها و هم مذهب های خودشان گذرانیده اند و حالا می خواهند يك سال از این مملکت خارج شوند اگر بنا باشد يك ناظری داشته باشند که اصول دین خود را فراموش نکنند البته از این قبیل اشخاص باید مایوس بود صاحب منصبان ارشدی هم که در این لایحه پیش بینی شده همان طوریکه خود آقا هم اظهار فرمودند برای نظارت در کار کردن آنها است و بیشتر نقطه نظر برای مسامی نظامی و ترتیب فرار دادن آن ها در افواج مختلفه نظامی بود

حتی اینکه وزارت جنگ خیال داشته است از ایزام خود آن صاحب منصبان ارشد هم يك استفاده هائی بکنند سابق هم این نظر را داشته ولی بواسطه بعضی پیش آمد ها و احتیاجاتی که بوجود صاحب منصب پیدا کرده اند و در اثر اتفاقات تأثر آمیز اخیر و ایزام قوا بتمام نقاط مختلفه مملکت نمی دانم نظر وزارت جنگ تعمیر کرده است یا خیر؟

ولی آن وقت شنیده بودم که فرمانده کل قوا در نظر داشتند رئیس ارکان حرب خود را که یکی از صاحب منصبان کامل و تحصیل کرده عالی است و در روسیه قطع نظر از تحصیلات نظامی در مدرسه معلمی نظامی هم تحصیل کرده بفرانسه بفرستند که در اسکول دو گر فرانسه که یکی از

مدارس فوق مدارس نظامی فرانسه است در ضمن اینکه بترتیبات سایرین نظارت می نمایند خودشان هم مخصوصاً در آنجا استفاده هائی بنمایند و اما در موضوع انتخاب این عده از فقرا و بنده در آن باب چیزی نمی خواهم عرض کنم ولی فقط متذکر میومد که اصول عمومی دنیا پیش بینی می کند که برای حفظ وطن و حفظ مملکت و خانه خود هر کس باید خود را در معرض کشته شدن بگذارد و این مسئله هیچ تفاوتی برای طبقات مختلفه اهالی ندارد و برای بنده که مخصوصاً خودم یکی از متقدمین بنظام اجباری در این مملکت هستم البته بیشتر از این لازم نیست توضیح عرض کنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم  
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب  
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید  
حاج میرزا عبدالوهاب -

بنده عرض می کنم باین فقره عمومی که سر ناصر مملکت را گرفته گمان نمی کنم ما بتوانیم

این عده را بجز ایزام کنیم از آن طرف هم تصدیق می کنم که صاحب منصب هم لازم داریم ولی بعقیده بنده ممکن است بآنصف یا ثلث این وجه چند نفر معلم خیلی خوب اینجا آورد و در همین جا مدرسه تأسیس کرد و باین بی بولی بنده ایزام این شصت نفر را بجزا چه بکلی بی اساس میدانم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم بعد از شرحی که آقای مخبر محترم بیان کردند دیگر هیچ شبهه برای کسی باقی نمانده باشد و در وجوب و ضروری بودن صاحب منصب هم هیچ تردیدی و حرفی باقی نیست کلام راجع بتعلیم نیست بلکه راجع بعملیات است.

ما امروز هیچ خرجی لازم تراز مخارج قشونی نداریم و هر خرجی داریم باید کنار گذاشته و خرج قشون بکنیم تمام چیزهای ما در تحت سر نیزه تهیه میشود و سر نیزه ما که قوت داشته باشد معارف داریم عدالت داریم تجارت داریم زراعت داریم و بالاخره همه چیز داریم.

هر چیزی که تصور بفرمایند در نتیجه داشتن قوه است پس تمام اهتمامات اساسی ما باید متوجه قشون باشد مخصوصاً خود فرمانده کل قشون در کمیسیون میگفت که من با این زحمات زیادی که کشیده ام دو ملیون از دولت طلبکار هستم و این مبلغ را بدولت و مجلس شورای ملی تقدیم میکنم برای خاطر اینکه شصت نفر صاحب منصب

خوب برای قشون تهیه کنم و ما میدانیم امروز چقدر احتیاج بصاحب منصب داریم و در تمام فرونت ها قشون نیرومند ما مشغول جنگ است با این احتیاجی که بقشون و عناصر مسلح شور و شجاع داریم چه طور میتوانیم مبادرت باین امر نکنیم اما اینکه فرمودید معلم بیاوریم مگر حضرت مستطاب عالی در این مملکت نبودید؟

کدام معلم را آوردیم و از آنها استفاده کردیم؟ و اگر هم استفاده کردیم از آنها بی بهره است که رفته اند در خارجه تحصیل کرده اند و مراجعت نموده اند و مخصوصاً باز تکراری کنیم ما نمی خواهیم این عده بروند درس بخوانند.

میخواهیم بروند آنجا و عملیات نظامی خود را تکمیل کنند و در فرونت وصف خدمت کنند و تعلیمات آنها را آموخته مراجعت نمایند و در این جا مشغول کار شوند.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت باین مخالف؟

ارباب کیخسرو - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی  
رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - این مطلب را لازم است قبلاً عرض کنم که چون بنده داخل در جمعیت هستم و نسبت باین مطلب در جمعیت ما تصمیمی اتخاذ نشده است اظهاراتی که عرض میکنم از نقطه نظر شخصی است و هیچ مربوط بجمعیت نیست و باین بیاناتی که آقای شیخ الاسلام فرمودند و از نقطه نظر دیانت خواستند در این موضوع موافقت خود را ثابت کنند و با فرمایش خیلی منطقی و خوب حضرت والا معذالك بنده مخالفم

اما راجع بنظر دیانتی البته در جای خود محترم و مقدس و محفوظ است و همه ما میدانیم که صاحب منصب برای مملکت ما لازم است ولی باید ببینیم کدامیک از این شقوق برای مملکت ما انفع است یکمده از صاحب منصبان را بیاریم ایزام داریم یا اینکه یکمده از صاحب منصبان و معلمین و متخصصین را از هر مملکت که نظامش بهتر است جلب کنیم که صاحب منصبان ما را تعلیم دهند يك وجهی برای این کار تخصیص داده شده است که شصت نفر شاگرد یا صاحب منصب با آن ترتیباتی که بیان فرمودند امتحان کنند و بعد از این که درجه تحصیلاتشان در کمیسیون معین شد بفرانسه بفرستند ولی اگر مخارج آنها را ملاحظه بفرمائید از صد هزار تومان متجاوز است و باید این وجه را ما باین مصرف برسانیم لکن عهده بنده این است که اگر ممکن

شود دولت از معلمین و صاحب منصبان آلمانی جلب کند و اگر دولت آلمان نخواست مساعدت کند صاحب منصب فرانسوی را جلب نمایند و يك مدارس برای تعلیم نظام تأسیس نمایند و اگر هم برای عملیات است آن معلمین و صاحب منصبانی را که می آورند بجای آن شصت نفر ممکن است دوست نفر تربیت نمایند اما اینکه بفرمایند تا بحال هر چه آورده ایم استفاده از آنها نشده است اینطور نیست اگر از بعضی معلمین و متخصصین که دولت آورده استفاده کامل نکرده است تقصیر از دولت و از وضعیات بودجه است و دولت آنها را بکار کردن و ادا نکرده است ولی البته اگر دولت تصمیمی اتخاذ کند و ماموری که می آورند مشغول صحت عمل آن معلم یا مستشار مطابق يك معاهده دولت متبوعه خودش را قرار دهد و وقتی که بایران آمد آن وظایفی را که در کفالت او قرار داده اند در تحت کنترل بیاورد و از او استفاده خواهد کرد ولی بکنفر معلم را که میل اشخاص مختلف و نظریات خصوصی از جاهائی که از دولت آنها را می شناسد و نه درجه تحصیلات آنها معلوم است می آورند وقتی هم این جامیاید در تحت هیچ مسؤولیتی نیست البته از این شخص نمیشود استفاده کرد ولی اشخاصی را که دولت آورد مثلاً ژنرال یا کارسن یا سایرین را دیدید چه استفاده هائی از آنها کردند پس هر کس را که دولت آورده از او خواست استفاده کند و او را بکار و ادا داشت استفاده کرد اما اگر نخواهد استفاده کند تقصیر کسی نیست، حالا بنده عهده ام این است که باین چنین فرمانده قوایی که همه انتظار ترقی قشون را از او دارند و بهتر از این هم نمی توان از يك فرماندهی انتظار داشت و می خواهد قوه قشونی مملکت را ترقی دهد بنظر او اینطور آمده است که باید عده از نظامیان را بفرماید به فرستند که تربیت بشود و تحصیلات علمی و عملی بنمایند و مراجعت کنند ولی اگر ما ایشان را متذکر کنیم و بگوئیم آقای سردار سیه اگر هر آینه يك عده از معلمین و متخصصین را این جا بیاورید با آن اهتماماتی که دارید بهتر از آنها نمی توانیم استفاده کنیم و با بودن آنها یکمده بیشتری را میتوانیم تربیت نمائیم البته او هم وقتی دانست فهمید که این رویه برای قشون انفع است همان ترتیب را اتخاذ خواهد کرد و هیچ نظر خاصی ندارد همه ما معتقدیم که باید صاحب منصب تربیت بشود مثلاً آقای شیخ الاسلام فرمودند باید يك نفر آخوند هم جهت اصول و حفظ همای اسلامی و دیانتی همراه آن ها فرستاد ولی بنده عرض می کنم اگر در همین جامدرسه نظامی تأسیس نمایند و صاحب منصبان را در همین جا تربیت نمایند بهتر است و با این وجهی می توان یکمده از

معلمین خیلی خوب جلب کرد آن هم نیکسال نه دو سال بلکه ممکن است چهار سال و پنج سال از آن ها استفاده کنیم نه مثل سایرین که وقتی یک نفر را بیاوریم بدون اینکه کار کند اولاد اولاد او هم می خواهد از این مملکت پول بگیرد و زندگانی کند اهم از این که کار کرده باشد یا نکرده باشد خیر این طور نیست اگر کار نکرد باید عذرش را خواست و نباید یک نفر متخصص بیاورید که از او استفاده کنند . این است نظریه بنده و اگر این طور رفتار کنند البته از برای حالت روحیه قشون هم انفع است

**مخبر -** تصور می کنم در این جا آقایان اشتباهی کرده اند آیا تصور می کنند وزارت جنگ شما اقدامات خود را برای تعلیم صاحب منصبان منحصراً به این یک کار خواهد نمود ؟ خیر این طور نیست تمام نظریاتی که شما دارید از قبیل خواستن معلم یا تأسیس مدرسه تمام این ها را وزارت جنگ بسردد اکمل در نظر دارد و در این صدد هم است و تصور می فرمائید که این اقدامات ما بیک دیگر منافات دارد خوب است

آقای حاج شیخ اسدالله از طرف وزارت جنگ و از طرف مدافعین این لایحه و کلمات فرمایند و نگویند اعزام محصلین بخارج به جلب معلمین تفاوت ندارد خیر اختلاف دارد برای این که اگر امروز ما صاحب منصب و معلم بیاوریم و تأسیس مدرسه کنیم زاین قضیه آن نتیجه فوری را که از اعزام محصل بارویا می خواهیم نخواهیم گرفت چرا ؟ برای اینکه این عده را که شما می فرستید بیک مملکتی میروند که منبع این علوم است و تأسیسات منظم و مرتب حاضری دارد و هیچ زحمتی ندارد غیر از این که بروند و داخل فلان کارخانه آثرویلان سازی بشوند و نگاه کنند یا بروند فلان کارخانه توپ ریزی و فشنگ سازی را ملاحظه کرده و بیاورند افواج مرتب توپخانه های منظم تشکیلات نظامی صحیح مانورهای مرتب و منظم همه جا حاضر است و می بیند و در عرض یک سال استفاده هائی را از آنها می کنند و اگر این آن استفاده ها را شما بخواهید در این جا بیاورید به چه وجه ممکن نیست مثلاً شما یک نفر معلم طب بطهران می آورید یا یک معلم می آورید و آن معلم مثلاً علم فیزیک را درس میدهد علم فیزیک منحصراً بیک کتاب نیست که شاگرد حفظ بخواند و یاد بگیرد بلکه علم فیزیک علمی است که باید علماً بخواند و عملاً با اسباب و ادواتی که مخصوص باین کار است تجربه نماید . شما که این آلات و ادوات را ندارید آنوقت تنها شاگرد شما که از آن مدرسه بیرون می آید دارای یک معلومات ظاهری و طولی وار می شود بدون اینکه آن تجارت را حاصل کرده باشد با شما بنده مخالفی ندارم این کار را باید کرد آن

کاری را هم که شما می گویند باید کرد و با هم منافاتی ندارد البته معلم هم باید آورد نه فقط در نظام بلکه در تمام شقوق و رشته های معارفی ولی اگر فقط بخواهیم به همین یک قسمت اکتفا کنیم که شما باین قسمت مخالف باشید آنوقت در نتیجه ما هم مخالف خواهیم بود

**رئیس -** آقای مدرس (اجازه)

**مدرس -** آقایان مذاکرات زیادی فرمودند عقیده بنده این است که از این لایحه دو مطلب منظور است ولیکن از ماده واحده مستفاد نمیشود یکی این که در ماده نوشته شده است محصل نظامی و در مقدمه لایحه صاحب منصب نوشته اند امادر خود ماده تصریح نشده که این شصت نفر از برای صاحب منصب باشند و حال آن که مقصود این است که صاحب منصب باشند و برای تکمیل عملیات نظامی بآن جا بروند لذا بنده پیشنهاد کردم در خود ماده اسم صاحب منصب ذکر شود زیرا اگر تائین باشند فائده چندانی برای ما نخواهد داشت مسئله دیگری که شاید مقصود باشد همان قسمی که آقای مخبر فرمودند این شصت نفر را که فرانسه می فرستند باید در تحت نظر اشخاصی باشند و این فرمایشاتی که در مجلس شد شاید مراد ایشانست که هم این نباشد و مقصود این است که با آن ها صاحب منصب ارشدی باشد لکن ماده باین مسئله هم دلالت ندارد و بنده عرض میکنم از جمله چیزهایی که خیلی لازم است این است که این شصت نفر در تحت نظر یک صاحب منصب ارشدی باشند اگر نباشند ضررش زیادتر از نفعش خواهد بود زیرا تجربیاتی که خود ما کرده ایم و شهودش هم در مجلس حاضر است قریب بیست نفر از صاحب منصبان نمره اول که از مدرسه هم فارغ التحصیل شده بودند همراه ما بودند و شب و روز اگر مفتش برای آن ها نیکما شتم اسباب زحمت میشدند

پس خوب است صاحب منصب ارشدی همراه آن ها باشد که آن ها را در تحت نظر خود در آورد و این پولی را که خرج میکنیم در عوض یک نفی برای مملکت بیاورند ، هیچ دخلی هم با اصول دین و غیره ندارد زیرا اگر این جا نمی دانست آن جا هم نخواهد دانست و اگر بدون سرپرست یا صاحب منصب مافوقی بروند بنده مثل این می دانم که این پول را بدست خودمان تلف کرده ایم و هیچ فائده هم با آن ها مترتب نیست و یک دو سال هم خواهند ماند بعد که می آیند بدتر از روز اول خواهند بود

**مخبر -** در این پیشنهاد آقای مدرس که می خواهند بجای محصل نظامی صاحب منصب نظامی نوشته شود البته آقایان تصدیق میفرمایند که مخبر کمیسیون نمی تواند نظر

رد داشته باشد و نظر قبول . برای مخبر فرقی نمیکند اما باید مقصود وزارت جنگ را فهمید باید نظر وزارت جنگ هم مدنظر باشد ولی نقطه محصلی را که این جا گذارده اطلاق بر صاحب منصب هم میشود حالا اگر آقای مدرس خیلی اصرار داشته باشند ممکن است از طرف مقام ریاست مقرر شود توسط تلفن از فرمانده کل قشون سؤال شود که این تغییر را می پذیرند یا خیر ؟

اما قسمت ثانوی که اظهار فرمودند در ماده هم کاملاً ملحوظ شده برای این که از برای چهار نفر صاحب منصب ارشد از قرار هر نفری ۱۴۶۰۰ فرانک در سال معین شده که این مبلغ در جزو مبلغ کلی که در تحت ماده واحده منظور شده است بنابراین ماده واحده نظر آقای مدرس را کاملاً تأمین میکند ولی در مسئله اول بنده هم با آقای مدرس موافقم و قطعاً اطمینان دارم که نظریه وزارت جنگ هم همین است

**فهمیم الملك -** اجازه میفرمائید ؟

**رئیس -** راجع به چه چیز است ؟

**فهمیم الملك -** راجع به پیشنهاد

آقای مدرس است

**رئیس -** عضو کمیسیون هستید ؟

**فهمیم الملك -** خیر

**رئیس -** میفرمائید .

**فهمیم الملك -** آن طوری که آقای

مدرس پیشنهاد کردند گمان می کنم خوب نباشد که لفظ محصل را برداریم و لفظ صاحب منصب بجای آن بگذاریم . یعنی بگوییم فلان مبلغ اعتبار داده میشود برای فرستادن شصت نفر صاحب منصب مفهوم این کلمه این است که یکمده صاحب منصابی را بفرستند بروند تحصیل کنند و این خوب نیست . راجع به سرپرست هم گفتار بنده متأسفانه با تجاربی که در مدت اقامت خود در آنجا حاصل کرده ام میدانم صاحب منصابی را که برای نظارت این عده خواهند فرستاد هیچ کار به کار شاگرد ندارند ، شاگرد در مدرسه یا صفوف نظامی با جاهائی که باید تحصیل بکند می رود آن صاحب منصب ها هم در خوابانها و تفریح گاهها گردش می کنند و ابداً کاری بشاگردها ندارند عقیده بنده این است که باید سرپرست این شاگردان همان دولت فرانسه باشد که با روابط دوستی و یگانگی که با دولت ایران دارد و علاوه با آن علاقه که دارند که شاگردانی که به مملکت آنها فرستاده میشود دارای معلومات خوبی باشند و بایک تحصیلات و معلومات عمیقی با وطن خود مراجعت کنند نظارت کامل درباره آنها خواهد نمود و الا صاحب منصب گاهی ممکن است با آنها سرکشی بکنند اما اثر فوق العاده در تحصیلات

و پروگرام آنها ندارد بنابراین یک چیز بی فائده است .

**رئیس -** ماده واحده قرائت میشود و بعد رأی میگیریم آقایانیکه تصویب می کنند ورقه سفید و اشخاصیکه رد میکنند ورقه کبود خواهند داد

(ماده مزبوره مجدداً قرائت و شروع باخذ رأی شد)

**آقا میرزا علی کازرونی -** اجازه می فرمائید توضیحی عرض کنم ؟

**رئیس -** مذاکره در بین رأی معمول نبوده است

**آقا میرزا علی -** بلی صحیح است لکن تصدیق می فرمائید که مطلب خیلی مهم و مهم نوشته شده است

(آقایان نظام الدوله و امیر ناصر شروع به تمهید آراء نموده و به ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

عده حاضر ۸۰ نفر  
ورقه سفید علامت قبول ۶  
ورقه کبود علامت رد ۰

امتناع ۱۹

(اسامی رأی دهندگان لایحه وزارت جنگ راجع به اعزام شصت نفر محصل نظامی بفرانسه)

اسامی قبول کنندگان : (ورقه سفید ۰۶)  
آقای نصرت الدوله

- آقا شیخ ابراهیم زنجانی
- دکتر لقمان
- امیر ناصر
- مساوات
- منصور الملك
- آصف الملك
- میرزا شهاب الدین
- وقار الملك
- ناظم دفتر
- وحید الملك
- شیخ العرافین زاده
- دولت آبادی
- وکیل الملك
- میرزا هاشم آشتیانی
- حاج امین التجار
- اقبال السلطان
- معتمد السلطنه
- احتشام الدوله
- آقا سید کاظم یزدی
- آقا سید محمد تقی طباطبائی
- فتح الدوله
- ناظم الامام
- سالار معظم
- نظام الدوله
- حاج میرزا اسدالله خان
- حاج میرزا مرتضی کرمانی
- سید فاضل کاشانی
- شیخ الاسلام ملایری
- سید حسن خان بلوچ

آقای سهام السلطان

« قوام الدوله

« میرزا محمد نجات

« صدرالاسلام ابهری

« ارباب کب خسرو

« میرزا ابراهیم خان

« محمد هاشم میرزا

« عدل السلطنه کرمانی

« حاج نصیر السلطنه

« بیان الدوله

« محمدولی میرزا

« عماد السلطنه خراسانی

« حاج میرزا تقی خان نائینی

« رفعت الدوله

« حمیدالملک

« فهیم الملک

« محقق العلماء

« میرزا سید حسن مجتهد کاشانی

« رکن الملک

« آقامیرزا ابراهیم قمی

« امین الشریعه

« سردار معظم کردستانی

« آقا سید محمد تدین

« آقا سید یعقوب شیرازی

« سردار مخم قزوینی

« میرزا محمد حسین صدرائی

« ۶ ورقه سفید

اصافی رد کنندگان : (ورقه کبود) ۵

آقای شیخ الاسلام اصفهانی

« حاج شیخ محمد حسن گروسی

« بهاءالملک همدانی

« بیان الملک

« مستشار السلطنه

« ورقه کبود

لابقره (۲)

رئیس - با کثرت ۶۶ رأی تصویب

شد . مذاکرات در بقیه دستور به بعد از

تنفس موکول میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل

و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - بقیه دستور جلسه لایحه

اخذ حق العبور راه طهران به دماوند است

لکن چون مطلبی جدیداً پیشنهاد شده و

تقاضای فوریت کرده اند قرائت میشود

(بعضی از ذیل قرائت شد)

نظر باینکه قانون مورخه ایله اول

فوس تغافوی ثیل ۱۳۰۰ بدولت اجازه

داده است که راجع به امتیاز نفت شمال با

کمپانی امریکائی موسوم به استاندار

دایل داخل مذاکره شده و بارعایت اصول

قانون مزبور صورت امتیازنامه مفصلی طرح

و مجدداً به مجلس پیشنهاد نمایند نظر باینکه

شش ماه و نیم از تاریخ مزبور می گذرد و هنوز

تکلیف قطعی این امر مشخص نشده نظر باینکه

کمپانی های معتبر مستقل امریکائی دیگر

نیز هستند که مایل به تقدیم شرایطی بدولت

می باشند و نظر باینکه منظور مقنن در موقع

تصویب قانون مزبور اجازه امتیاز به

کمپانی استاندار دایل فقط استفاده از منابع ثروت مملکتی بوسیله سرمایه کمپانی های معتبر آمریکائی که عاری از هر نوع نظری بوده باشند بوده لهذا برای اینکه بواسطه مذاکره در پیشنهادات کمپانی های متعدد منافع اقتصادی مملکت بهتر رعایت شده و برای دولت وسیله مقایسه بین شرایط مختلف موجود گردد ما امضاء کنندگان با قید فوریت پیشنهاد می نمایم مجلس شورای ملی تصویب فرمایند که در ماده اول قانون مذکور در فوق پس از عبارت ( کمپانی استاندار دایل) عبارت ذیل افزوده شود (یا کمپانی معتبر مستقل امریکائی دیگری) که باین طریق ماده اول قانون مزبور از این قرار خواهد بود:

مجلس شورای ملی ایران واگذاری امتیاز حق استخراج فقط ایالات مفصله الاسامی شمال ایران را بکمپانی استاندار دایل یا کمپانی معتبر مستقل امریکائی دیگری تصویب مینماید . نقاط مزبور شامل ایالات

آذربایجان - گیلان - استرآباد و مازندران و خراسان خواهد بود

نصرت الدوله - عده امضاء کنندگان را بفرمایند

منتصر الملک - چهل و دو امضاء دارد

رئیس - آقای آقا میرزا محمد نجات

(اجاز)

نجات - از آنجائیکه این مطلب خیلی فوق العاده است و هیئت وزراء در موقع مذاکره در آن باید در مجلس حاضر باشند

(و بعلاوه این پیشنهاد را آقای قوام السلطنه کرده اند و طرف اعتماد اکثریت هم شده اند و باید در موقع مذاکره حاضر باشند) و هنوز هم این مطلب در فرا کسیون مانده است و بنده پیشنهاد می کنم این مطلب را تأخیر بپاندازد تا در فرا کسیون مذاکره شده و بعد به مجلس بیاید

رئیس - آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - بنده هم تقریباً همان نظریه آقای نجات را دارم و عقیده ام این است که چون یک عده زیادی از آقایان نمایندگان باین پیشنهاد سابقه نداشته و بکلی بی اطلاع هستند و بعلاوه هیئت متحده که تقریباً اکثریت نمایندگان را در پارلمان حائزند در این باب صحبتی نکرده اند این است که بنده پیشنهاد می کنم این مطلب در این جلسه مسکوت عنه بماند تا در هیئت متحده مطرح شده و نظریات رفقا در این باب تعیین گردد و در جلسه آتی مطرح شود

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده یکی از امضا

کنندگان این پیشنهاد هستم و چنانکه می بینید ۴۲ نفر از آقایان نمایندگانی بقید فوریت آن را امضا کرده اند از برای بنده نظر باینکه داخل در هیچ جمعیتی نیستیم اشکالی که برای آقایان نجات و ملک الشعراء وارد است وارد نیست لهذا بنده تصور می کنم اگر درست مذاکره در این پیشنهاد شود می بینم یک چیزی نیست که محتاج به هیچ نوع مذاکره و تبادل فکر باشد .

مکر امضاء کنندگان این پیشنهاد چه گفته اند ؟

مجلس شورای ملی در شش ماه و نیم قبل از این یک قانونی تصویب نموده و بموجب آن بدولت اجازه داد که با کمپانی استاندار دایل امریکائی راجع به امتیاز نفت شمال که ملک طلق و ملک دولت و ملت ایران است داخل مذاکره شده و تهیه امتیازی نموده صورت آن را به مجلس تقدیم دارد شش ماه و نیم از آن تاریخ می گذرد

کابینه قوام السلطنه و مشیر الدوله هر دو رفتند و هیچکدام موفق نشدند مذاکرات با کمپانی استاندار دایل را تمام کنند حالا ما در حواشی این مسئله خیلی چیزها شنیده ایم ولی از طرف دولت رسماً چیزی بماند گفته نشده است

ما هیچ نفهمیدیم برای چه دو دولت رفتند و نتوانستند این مسئله را حل کنند در صورتیکه این قضیه قضیه مشکلی نیست امتیاز نفت در دنیا بی سابقه نیست کمپانی استاندار دایل از حیث ثروت و عملیات نفتی بزرگترین کمپانی دنیاست و البته اگر برای آنها اشکالات اساسی و اصولی در بین نبود .

طرح یکشرایطی اشکالی نداشت . خلاصه ما یکمطالبی در اطراف این مسئله از خارج شنیدیم لکن از این قضیه از مجرای رسمی دولت که میبایستی اطلاع حاصل کنیم اطلاع حاصل نکرده ایم . حالا اغراضی که این پیشنهاد را امضا کرده اند .

آیا می گویند دولت دیگر با کمپانی استاندار دایل مذاکره ننماید ؟

خیر میگویند با آن کمپانی مذاکرات خود را تعقیب کنند ولی دستش باز باشد اگر کمپانی های دیگری آمدند و گفتند ما هم یک شرایطی داریم و پیشنهادی کنیم بگویند من حق ندارم شرایط شما را مطالعه نمایم چنانچه این مسئله را بطور قطع می توانم عرض کنم زیرا خود من از رئیس دولت شنیدم که گفتند چون در این قانون فقط اسم کمپانی استاندار دایل قید شده است ما نمی توانیم با کمپانی دیگری داخل مذاکره شویم .

بنابر این این چه قیدی است که مجلس شورای ملی در افکار و انظار عموم اینطور

قلم داده شود که مذاکره باین مهمی را که نه فقط از نقطه نظر اقتصادی برای ما مفید است بلکه از نقطه نظر سیاسی اهمیتش خیلی زیادتر است . فقط مقید به کمپانی استاندار دایل نموده اند .

بنده خودم پیشنهاد کننده و مدافع این قضیه بودم ولی حالا که نتیجه نگرفته ایم میگویم دولت آزاد باشد . . . .

ملک الشعراء - چرا روزاول این کار را نکردید ؟

نصرت الدوله - روزاول نفهمیدم برای

اینکه کسی نبود و دیگری نیامده بود و یک اشکالی هم که بعد شنید شد پیش بینی نمیشده بلی اصل مسئله در سر اشکالاتی است که تولید شده .

کمان نمی کنم در این مجلس کسی مخالف باشد که همین مجلس که آنوقت با اتفاق مذاکره با استاندار دایل را تصویب کرد حالیه هم اگر غیر از استاندار دایل و کمپانی امریکائی هر کس آن اشکال را تولید کند و داخل در آن مذاکره شود باز هم همین مجلس شورای ملی بهمان اتفاق آن را رد خواهد نمود .

پس در این صورت ما چه قیدی داریم و چرا ما دست دولت ها را به بندیم و چرا نباید بگذاریم که دولت بتواند با هر کمپانی مستقل امریکائی دیگری چه در واشنگتن و چه در طهران یا در هر یک از نقاط دنیا اگر پیدا شود داخل مذاکره شود ؟

این بود فلسفه این پیشنهاد اما راجع به تقاضای فوریت که بنده موافق خدم از دو نقطه نظر بوده یکی از این نقطه نظر بود که مطلب چندان اهمیت زیادی که قابل یک مطالعات عمقه باشد ندارد ثانیاً یک تجربیاتی بماند ثابت کرده است که در یک همچو موقعی هر چه سرعت عمل به خرج داده شود محظوراتش کمتر است آقایان اظهار نموده چون رئیس الوزرائی که اکثریت مجلس باورای داده است

(و خود بنده هم با او موافقت کرده و خواهم کرد)

یعنی آقای قوام السلطنه هنوز به مجلس نیامده اند و باید با ایشان مشاوره بشود و در این باب از ایشان کسب نظریاتی بشود خوب است این مسئله بتأخیر بیفتد . بنده بکلی نظرم با این مسئله مخالف است .

برای اینکه این کار را مجلس کرده است و مجلس در آن موقع این قید را بگردن دولت گذارده است .

حالا هم خود مجلس باید این قید را بگذارد و آن دولتی را هم که من می خواهم طرفدارش باشم از نقطه طرفداری من ترجیح میدهم که هر مسئولیت و محظوری که

این مسئله دارد بنده که يك نفر وكيل هستم برعهده بگیرم تا دولت درمضینه نباشد بهمین نظریه بود که بنده با اینکه می دانستم ولی فهمیدم که باید نظریه دولت را کسب نمود بدون آنکه نظر دولت را دانسته باشم این پیشنهاد را امضاء کردیم البته حکمت این قضیه هم مثل حکمت سایه قضایا بسته به رای اکثریت مجلس است حالا اگر اکثریت مجلس صلاح می داند رای می دهد و اگر هم صلاح را بتاخير مسئله می داند ما هم مطیع خواهیم بود ولی البته در آنجا اگر بیکرحتمانی از رای اکثریت برای دولت حاصل شود مسئولیت آن برعهده اکثریت خواهد بود

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده هم بکنفر از امضاء کنندگان این پیشنهاد هستم و درعین اینکه جزو امضاء کنندگان هستم بکنفرم و از نقطه نظر علاقه مندی به مملکت هیچ فرق نمیکنند که انسان بکنفر باشد یا در جمعیت داخل باشد.

بنده در این مدت در اطراف این مسئله لالمانی کرده ام و البته همه آقایان هم لالمانی کرده اند و از محظوراتی که در راف این موضوع حیاتی ایجاد شده تجسس هستند.

ابراین خیلی مایل بودم که در این قسمت تجدید اکره بشود و نظریات خود را عرض کنم. علت موافقت بنده با این موضوع مبنی بر يك اصل اقتصادی است و البته همه آقایان تصدیق می فرمایند که در موضوع تجارت و اقتصاد

اگر چنانچه رقابت در بین ایجاد نشود صرفه از برای اشخاصی که می خواهند استفاده کنند حاصل نخواهد شد و البته بموجب این پیشنهاد دست دولت باز میشود و ممکن است در مقابل کمیانی استاندار داویل يك رقبا و کمیانیهای دیگر هم ایجاد شود که ما از رقابت اقتصادی آن کمیانی ها بتوانیم استفاده کنیم در حالتی که این نتیجه از این که مسئله را اختصاصی بیک کمیانی بدیم گرفته نخواهد شد. باین جهت بنده با این پیشنهاد موافقم بکنفر هستم و بقیه عقاید خود را عرض خواهم کرد.

رئیس - در واقع مذاکرانی کمی شود در اجماع بقررت و عدم قررت است زیرا گمان نمی کنم کسی مخالف اصل مطلب باشد و اینکه عرض کردم گمان نمیکنم کسی مخالف اصل مطلب باشد هر ضم این بود که هر کسی یا جمعیتی می تواند در اجماع با اصل مطلب يك پیشنهادی بکنند و موافق نظام نامه آن پیشنهاد یا بکمیسیون رجوع می شویم و اینها فوریت را قبول بکنند یا نکنند.

## آقای آقا سید فاضل - (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده یکی از اشخاص هستم که با کمال افتخار این پیشنهاد را امضاء کرده ام و از ابتداء که اجازه این مسئله بدولت داده شده بنده مطالعاتی در اطراف این مسئله چه در جراید داخلی و چه در مطبوعات خارجی که داده ام ترجمه نموده اند کرده ام و جهت امضای این پیشنهاد از دو نقطه نظر است هم از نقطه نظر اقتصادی و هم از نقطه نظر سیاسی مسئله را هم خیلی سراسر است می دانم انسان وقتی متاعی دارد و می خواهد بفروشد یا امتیازش را بفروشد البته بآن کسی که بیشتر میخرد یا اجازه می دهد و اگذار می کند و البته هر طور صلاح دولت و ملت باشد باید رفتار شود باین جهت بستن دست دولت در این باب خلاف عقیده بنده است و با آنکه کمال موافقت را باین مسئله دارم و از طرفی بمضویت جمعیتی که جدیداً تشکیل شده و موسوم به هیئت متحده است متفخرم و هنوز وقت پیدا نشده است در اطراف این مسئله در جمعیت مذاکره شود لذا موافقم که عجلالتا این مسئله بماند تا در فرا کسیون در اطراف آن مذاکرات شده و در جلسه دیگر مطرح گردد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده آن شبی که این لایحه را بمجلس آوردند در عرض پنجاه دقیقه قبول کردیم خود این طرف آن طرف می دویدم که کسی بیرون نرود و این مسئله بگذرد.

چرا؟ برای اینکه خیال می کردم اگر بقررت این مسئله نگذرد شاید منافع خیلی گزافی از دست مامی رود بعد که روزنامه جات را مطالعه کردم در اطراف این مسئله اطلاعاتی پیدا کردم اساساً همان طور که آقای تدین اظهار نمودند هر کسی که متاع خود را در معرض فروش بیاورد ندای دهد که من دارای چنین متاعی هستم و مشتری لازم دارم.

مسلم است در صورتی که مشتری زیاد تر باشد و رقابت در کار باشد متاع بهتر بفروش میرسد از قراری که اطلاع حاصل کرده ام این فقط بکنعنت گرانیهائی است که باید خداوند تبارک و تعالی را شکر کنیم که چنین مملکتی که دارای این نعمت گرانیهائی است با عطا فرموده و خیلی خوشحالام از این که می بینم يك موقعی پیدا شده است و در اطراف این مسئله تجدید نظر می کنم.

بنده این پیشنهاد را امضاء کرده ام لکن چون در جمعیت متحده عضویت دارم و همان طور که بیان فرمودند هیچکس از اعضای آن جمعیت مخالف با تجدید نظر

در این مسئله نیست لکن مطابق فرمایشات رفقای خود آقایان نجات و ملک الشعراء و آقا سید فاضل تقاضای کنم که این مطلب بماند برای روز شنبه نادر فرا کسیون مذاکره شود و علت آنهم این است که اگر از حالا ما جمعیت خود را محکم کردیم و اختلاف نظردر میان ما ها تولید نشد می توانیم موفق بشویم که هم پستی باین دولت واقع شویم و مقاصد سیاسی خود را پیش ببریم.

پس چون اول قدم سیاسی است که این جمعیت می خواهد بر دارد از مقام ریاست استعفا می کنم برای حفظ اکثریت ما این لایحه را بروز شنبه موکول فرمایند.

رئیس - این تقاضا را باید از مجلس بکنند نه از بنده آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - عرایض بنده گفته شد.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه نطق)

ارباب کیخسرو - بنده خیلی تعجب می کنم اساس مسئله همان قسمتی که آقای آقا سید یعقوب گفتند در ظرف پنجاه دقیقه از مجلس می گذرد و لکن وقتی که ما می خواهیم دست دولت را باز کنیم و صرفه مملکت را بهتر ملحوظ بداریم آنوقت آقایان می گویند فوریت لازم نیست و تامل لازم است تا ببینیم در فرا کسیون چه نظری اتخاذ می شود.

البته آقایان مختارند لکن نباید این مسئله از نظر مروج شود که تا حال شش ماو نیم است از این قضیه می گذرد و هنوز این مسئله لایحه ملانده است، ما چرا تقاضای فوریت کردیم؟ برای این که بیش از این منافع مملکت بهتر نرود هر دقیقه که از عمر اقتصادی مملکت می گذرد بواسطه حفظ نکردن نظریات اقتصادی بد بخترانه قسمت عمده مملکت رو بپیشانی می رود ما می خواهیم جلوی این قسمت را بگیریم. بنده فقط حالا فوریت این مسئله را امضاء کردم بلکه اگر نظر آقایان باشد در دو سه ماه قبل هم از آقای مشیرالدوله سؤال نمودم که چرا تا بحال این قضیه معوق مانده است بنده صراحتاً عرض می کنم اگر این مسئله بهمین حال باقی بماند و مشتری مافق کمیانی استاندار داویل باشد خیلی متأسفم که نمی توانم بیانات زیاده تری عرض کنم ولی همینقدر می گویم لطامات زیادی باین مملکت خواهد خورد.

بنده خودم در پارلمان آمریکا حضور داشتم که صدای آمریکائیها از کمیانی استاندار داویل بلند بود و می گفتند به قدری در اطراف آمریکا راجع بمسائل اقتصادی این کمیانی بمافشار وارد آورده است که اسباب زحمت مانده البته وقتی

تجارت منحصر بشد بیک نفر مسلم است که هر قسم بخواهد فشار وارد می آورد و دولت هم مجبور است چون مجلس معامله را منحصر بآن کمیانی نموده قبول کند اشخاصی که این پیشنهاد را امضاء نموده اند می گویند باید دولت پیشنهاد هر کمیانی مستقل آمریکائی دیگری را مطالعه کند و به بیند هر کدام بصرفه و صلاح مملکت نزدیکتر است او را بپذیرد البته در صورتی که کمیانی استاندار داویل حاضر شود هرابط دولت را قبول کند او این امتیاز را خواهد گرفت باری می خواهیم دست دولت باز باشد و برای اینکه بیش از این فوت وقت نشود تقاضای فوریت کردم و بنده که یکی از آن امضاء کنندگان هستم پیشنهاد خود را تایید می نمایم.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده هم يك نفر از امضاء کنندگان این پیشنهاد هستم.

اولاً آقایان که تقاضا کردند فوریت نباشد یکی این بود که رئیس دولت حاضر باشد دیگری این بود که در اطراف آن مذاکرات بشود بنده عرض می کنم ما این پیشنهاد را کرده ایم که دست دولت را باز کنیم اینيك چیزی نیست که لازم باشد و از آن دفاع نمایم دولت فعلاً مجبور است فقط با کمیانی که سابقاً مجلس رای داده است مذاکره کند حالا مامی خواهیم دست دولت را باز کنیم و بگوئیم اگر ممکن نشد با کمیانی دیگر هم می توانی مذاکره بنمائیم و این مسئله با بقیاب دولت منافاتی ندارد و اما مذاکراتی که بناس است در اطراف این مسئله بشود بنده سؤال می کنم آیا بهتر نیست انحصار بیک کمیانی ندهیم؟

این واضح است اگر در تجارت رقابت باشد همان طور که آقای تدین فرمودند به نفع و صرفه ما خواهد بود و بنده هم دید فوریت را امضاء کرده ام و عقیده دارم هر چه زودتر این پیشنهاد از مجلس بگذرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا.

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - آقای نصرت الدوله اظهاراتی فرمودند که ممکن است در خارج سوء تعبیر بشود و گفته شود هیئت متحده با این موضوع مخالفت کرده اند در صورتیکه از چهل و دو نفر امضاء کنندگان این پیشنهاد بیست و هفت نفر آن که عضو هیئت متحده هستند منتهی چون در موقع تنفس این پیشنهاد شد.

بعضی از آقایان چون سابقه نداشتند عقیده داشتند با رفقای خودشان در این موضوع مذاکره نمایند و الا یقین داریم همه متفق خواهند بود اگر هم بعضی

از آقایان از قبیل آقای نجات و ملک -  
الشعراء مذاکره فرمودند نظرشان بهمین  
مطالعه بود آقایان دیگر هم که امضاء نکرده  
اند برای این بود که مطالعه نکرده اند والا  
بنده گمان نمیکنم هیچ اختلافی در بین  
باشد و اگر مخالفتی دارند صراحتاً بفرمایند  
که معلوم شود و بنده گمان نمیکنم  
مخالفتی باشد زیرا که بیست و هفت امضاء  
متعلق به ما است و اینطور نیست که تمام امضاء  
متعلق باشخصی باشد که جزء هیئت متعده  
هستند خوب است حضرت والا محض اینکه  
در خارج سوء تعبیری نشود فرمایش خود  
را تفسیر بفرمایند.

رئیس - آقای شیخ العراقین  
زاده .

( اجازه )

شیخ العراقین زاده - بنده هم  
بعد از اظهارات حضرت والا شاهزاده محمد  
هاشم میرزا می خواستم عرض کنم که اغلب  
امضاء کنندگان این پیشنهاد جزء هیئت  
متعده هستند و بهیچوجه مخالفتی مشاهده  
نمیکنم لکن عقیده ام این است که باشد برای  
جلسه آینده که روز شنبه است و امروز  
هم روزه شنبه است و از امروز تا روز شنبه  
گمان نمیکنم اگر تأخیری بشود اهمیتی  
داشته باشد یا یک صدمات سیاسی و اقتصادی  
بما وارد آید .

بنده خود یکی از امضاء کنندگان  
هستم ولی چون می بینم بعضی از آقایان  
نمایندگان متمایلند که این مطلب موکول  
بجلسه آتی شود عرض میکنم بماند برای  
روز شنبه .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله  
( اجازه )

حاج شیخ اسدالله - بنده هم  
این پیشنهاد را امضاء کرده ام و عقیده ام  
فوریت هم هست و مقصود این است که به  
کمیسیون متکرات ورود و در مجلس این  
قضیه حل بشود .

رئیس - خیر معنی فوریت این  
نیست معنی این است که فقط یک شور  
بشود و بعداً بخواهند بکمیسیون ورود باید  
یک رای دیگر بدهند مواد نظام نامه  
قرائت می شود ملاحظه خواهند فرمود .

( ماده نظامنامه داخلی شرح  
ذیل قرائت شد )  
ماده ۷۳ - در موقعی که لایحه یا طرح  
قانونی پیشنهاد می شود وزراء یا صاحب  
طرح یا یکی از نمایندگان می توانند از  
مجلس تقاضا نمایند که فوری بودن آن را  
تصدیق نمایند .

ماده ۷۵ - این چنین تقاضا با مقدمه  
که حاوی دلایل آن باشد اظهار میشود و  
پس از آن مجلس رای در فوریت و عدم  
فوریت آن می دهد .

ماده ۷۶ اگر مجلس فوریت آن

مطلب را تصدیق نماید  
مطلب مزبور را یا بشعبات مایبکی از  
کمیسیون های مربوط بآن که سابق تشکیل  
شده رجوع مینماید

و نیز مجلس می تواند خود فوراً بآن  
لایحه یا طرح قانونی رسیدگی کند و این  
در صورتی است که مخصوصاً در این باب  
رای داده شود .

ماده ۷۷ - طرح یا لایحه قانونی  
که فوریت آن تصدیق شده باشد فقط یک  
فوریت درباره آن شور میشود و در این  
شور بدو آدر باره آن بطور کلی و رویهم  
رفته مباحثه می شود

پس از آن در باب صلاحیت مذاکره  
فرد فرد آن رئیس از مجلس کسب رای  
می نماید .

رئیس - موافق این مواد ابتدا  
باید رای بدهند یک شور بشود و بعداً اگر  
بخواهند بکمیسیون ورود و فی المجلس  
خودتان مذاکره کنید یک رای علیه لازم  
است .

حاج شیخ اسدالله - این تقاضایی  
که بنده کردم و نظری که دارم منافی با  
آن مسئله نیست .

حالا در هر صورت بنده نظرم این است  
در آن موقعی که راجع با اجازه اعطای  
امتیاز نفت شمال بکمیانی اساندارد اوایل  
مذاکره شد

بنده عرض کردم که مطالب را اینطور  
از مجلس گذراندن خوب نیست و نباید یک  
همچو سابقه را در مجلس گذاشت ( این  
عرضی که بنده میکنم عقیده شخصی خود  
من است نه اینکه از طرف فراکسیون  
اظهار عقیده بکنم و عقیده شخصی خود بنده  
بود که این پیشنهاد را امضاء کردم )

ولی چون آقایان عقیده شان این است  
که یک مشاوره شود

چنانچه شاهزاده محمد هاشم میرزا و  
آقای ارباب کیخسرو فرمودند این لایحه  
خیلی خوب بنظر می آید و باید مجلس  
در آن رای بدهد

ولی با این حال هیچ منافی نمی دانم  
که این مسئله در فراکسیون مطرح بشود  
و روز شنبه از مجلس بگذرد و تصور  
نمیکنم تا روز شنبه یک قضایای فوق العاده  
روی بدهند که مانع بشود از اینکه آقایان  
نمایندگان اظهار عقیده بکنند .

این است عقیده بنده و پیشنهاد را  
هم نافع می دانم و البته تا رقابت تجارنی  
در بین نباشد و انحصار برداشته بشود البته  
نمی توان استفاده کرد وقتی که ما این اجازه  
را منحصر کردیم بیک کمیانی البته هر  
نوع تحمیلی می خواهد بدولت و ملت  
ایران میکند

ولی وقتی آزاد شد که با هر کمیانی  
آمریکائی که بخواهد بتواند مذاکره نماید

بدیهی است رقابت پیش می آید و همین  
مسئله رقابت منافی برای ایران ایجاد می -  
کند که البته در انحصار آن منافع فوت  
می شود .

رئیس - آقای مخبر السلطنه  
( اجازه )

حاج مخبر السلطنه - تقریباً مطالبی را  
که بنده می خواستم عرض بکنم گفته شد  
با اساس این پیشنهاد موافقم ولی با فوریت  
بنده آن مخالفم .

رئیس - آقای مدرس  
( اجازه )

آقای سید حسن مدرس - آقایان  
راجع باین پیشنهاد هر کدام براهینی فرمودند  
ولی نظر من در این عرض به هیئت  
اکثریت است و انشاء الله الرحمن امیدوارم  
به برکت آن ها منافی برای مملکت حاصل  
شود ، اینکه آقایان می فرمایند بماند تا فراکسیون

صحت بکنیم می خواهم از آقایان  
سؤال کنم به بینم که می خواهند در فراکسیون  
صحت کنند و به بینند که یک نفر طرف  
معامله باشد بهتر است یا دو نفر اگر این موضوع  
باشد گمان نمیکنم این یک چیزی باشد  
که محتاج بفکر باشد و البته مسلم است هر  
کسی نخواهد معامله بکند طرفش دو نفر  
یا بیشتر باشد صرفه برای او بهتر خواهد بود .  
تا اینکه یک نفر طرف داشته باشد در

آن موقعی که برای این اجازه این  
امتیاز رای دادند بنده ناخوش بودم یکی  
از رفقا به بنده منزل تشریف آوردند و در  
این باب با ایشان صحبت داشتم بایشان  
عرض کردم با فوریت بنده عقیده ندارم و باید  
چند روزی در آن تامل کرد ولی مجلس  
آندفعه با فوریت رای دادند و این اجازه  
را گذراندند و آثار فوریت آن همین مسئله  
بوده است

که غفلت شده و طرف را منحصر  
کرده اند در صورتی که بنماید طرف را یک  
نفر و منحصر نموده .

حالا از هیئت متعده سؤال میکنم  
که پس از آنکه فکرشان را باین کار  
مصرف داشته آیا نتیجه اش این می شود  
که طرف معامله با دولت یک کمیانی باشد  
و دست بسته باشد حقیقتاً اگر اینطور  
باشد یک فکر عجیب و غریبی است البته  
هر چه مشتری زیاد باشد بهتر و دست دولت  
هم باز است .

لذا اگر آقایان اکثریت قبول بفرمایند  
خواهش می کنم در همین جلسه رای با فوریت  
بدهند و ما را که جزو اکثریت نیستیم ولیکن  
انشاء الله الرحمن از این محل انتفاع  
خواهیم مردم ممنون بکنند و فکر صرف کردن  
برای اینکار نفی ندارد .

رئیس - آقای ملک الشعراء  
( اجازه )

ملک الشعراء ابتدا که این مسئله

قطر ح شد بنده و یکی از آقایان رفقا بدون  
اینکه داخل اصل موضوع بشویم تقاضای  
هاجراه نمودیم و تصور کردیم در نهایت  
بی فرضی و حسو ظن تلقی خواهد شد ولی  
از قرار معلوم بعضی از آقایان اینطور  
احساس کرده اند که این تقاضا از نقطه  
نظر مخالفت در اصل است بهمین دلیل بود  
که ناظرین محترم قیام نموده و در اصل  
موضوع خطابه های فوق العاده غرائی  
انشاء فرمودند و بنده باز هم تکرار میکنم  
که در اصل موضوع مخالفتی نیست نمیگویم  
در اصل موضوع مخالفی هست یا نیست شاید  
بنده در اصل موضوع مخالف باشم یا موافق  
باشم بهر جهت باین مطلب کار نداریم  
و نظری را که بنده دارم و عرض شد که فقط  
این بود که این کار در روز عقب بیفتد برای  
اینکه هم بتوانیم در اطراف کار مطالعاتی  
بکنیم و هم بتوانیم باتفاق

این مسئله را تصویب کنیم و یک  
رائی را که می دهیم با اکثریت قاطع  
باشد مقصود این نبود که در اصل مطلب  
صحت بکنیم ولی حضرت والا اصل مطلب  
وارد شده و مخصوصاً فرمودند مهاجمه  
مخاطره و مخاطرات در پیش است و کلمات  
فوق العاده تهدید کننده اظهار فرمودند  
که بنده نمی دانم مقصود ایشان چیست و  
چطور تعبیر کنیم ؟

اگر این مهاجمه و مخاطره برای این  
است که اول با فوریت رای داده شد و از  
فوریت این مخاطرات تولید شد ؟ ممکن  
است این فوریت هم منتج بیک مهاجمه  
و یک مخاطرات دیگر بشود دیگر اینکه بنده  
سؤال کردم که چرا در دفعه اول این کار  
را نکردند و با فوریت گذراندند؟ فرمودند  
نفهمیدیم جوابا عرض می کنم که از کجا  
معلوم است که حالا می فهمیم ؟

شاید حالا هم نفهمیم و با فوریت زای بدیم  
و پس فردا یک مخاطره ها و یک مهاجمه هائی  
برای مملکت تولید بشود پس بدون این  
بخواهیم در اصل موضوع دخالت بکنیم  
ناچارم عرض کنم چنانچه آقای ارباب کیخسرو  
فرمودند اند اندفعه بمجلس در ظرف پنجاه  
دقیقه رای دادید که حالا بعد از شش ماه  
مجبور شده اید که در ظرف پنجاه دقیقه  
دیگر برای خودتان را تکمیل کنید لهذا  
بنده این فوریت را خوب نمی دانم و آن  
روز هم خوب نمی دانستم .

اگر یکمده از آقایان دانشمند نشسته اند  
و مطالعاتی کرده اند و پیشنهاد کمیانی  
نیشکار را دیده اند چه ضرورت دارد سایرین  
هم یک مطالعاتی بکنند و در اطراف آن  
مذاکراتی شود و بعداً بفرمودند و کور کورانه  
آلت دست سه نفر چهار نفر آقایان فاضل  
واقع نشوند

ما باید یک کاری نکنیم که قضایا با مشار که  
انجام بکنند که اگر خراب شد مسئولیت

بیکدمه متوجه نگردد اما امروز فوق العاده محتاجیم باتفاق و فوق استفاده باید کوشش کنیم که نفاق و خلاف رائی در مجلس نداشته باشیم ما این اتحاد و اتفاق را می-خواهیم که باصلاح خراب کاری هائی که از مردم اتفاق و عجله در این مملکت پیدا شده صرف کنیم این است که بنده بهیچوجه صلاح مملکت و آقایان را نمی دانم که این قدر عجله و سماجت بکنند و در اصل موضوع داخل بشوند و در ظرف چهل پنجاه دقیقه رائی بدهند که دو مرتبه پس از مدتی اسباب زحمت بشود

آقای مدرس بطور ساده می فرمایند طرف یکی باشد بهتر است تا دوتا بلی اگر طرف دوتا باشد بنده قانع می شدم

شما می خواهید طرف سه تا باشد چهار تا باشد و بنده از آن سببی می ترسم و عرض می کنم عجله نکنید و اول اینکه نظرمان صائب است ولی عجله نکنید و بگذارید دو سه روز در اطراف این قضیه آقایان رفقا در قرا کسیون صحبت بکنید و حرف بزنند که دیگر هیچ نوع مسئله بخته در اطراف این قضیه باقی نماند

بنده هیچ میل و عقیده ندارم داخل یات خصوصی بشوم آقایانی هم اخلاق را می دانند که هیچوقت نظریات رسمی نداشته ام شہوت کلام هم نداشته ام بکیشینی هائی دارم و در ظرف ب و امروز با بعضی از آقایان که این را هادرا امضاء کرده اند صحبت کردم شاید با رئیس دولت هم که امروز طرف اعتماد اکثریت است مذاکره کرده باشیم هیچیک از عقلا و اشخاصی که علاقه مند بمسئله هستند اجازه نمی دهند که شما در این مسئله عجله بکنید این است که با کمال صمیمیت استدعا می کنم و استرحام می نمایم که شما هم عجله بکنید و یکدور روزی صبر کنید تا در اطراف این مسئله مذاکراتی بشود

**مدرس** - توضیحی دارم می خواهم عرض کنم

**و رئیس** - بفرمائید

**آقای سید حسین مدرس** - بنده فرمایشات آقای ملک الشعراء را همیشه تقدس کرده ام حالا هم می کنم

لیکن بهمان نظر بانی که آقای ملک الشعراء اشاره فرمودند بنده می گویم باید این مطلب را با فوریت قطع نموده

بلی آقای ملک نظریات عمیق فرمودند اگر چه بنده قائل نیستم خوب درک کنم ولیکن همان مقداری را که درک کردم عقیده دارم که باید این مسئله را زودتر ختم کنیم و یا بیانی که بعضی از آقایان فرمودند ما نباید دست دولت را به بندیم و او را در این باب محدود کنیم

کاملاً موافقم باز هم تکرار می کنم که ما باید این مسئله را تصویب کنیم و در همین مجلس با فوریت ختم کنیم این عقیده من است

همه بدانند و بنویسند تا در آتیه پیش بینی بنده و آقای ملک الشعراء مبرهن باشد

**رئیس** - آقای نصرت الدوله (اجازه)

**نصرت الدوله** - آقای ملک الشعراء در این اینکه بنده ایراد فرمودند که چرا در اصل مطلب داخل شدم خودشان هم داخل مطلب شدند

و یک اعتراضاتی فرمودند که آن اعتراضات مبنی بر یک سوء تفاهمی است که ایشان کرده اند و مبنی بر چیز دیگری نیست . فرمودند که بنده یک عبارات و الفاظ مضطر و مهاجمه و شدت و غیره می گویم که ایشان نمیدانند این عبارات را چطور تعبیر کنند و مبنای آنها را بچه قرار دهند و بالاخره دلیل قاطعی که برای فوریت هست این است که چهل و دو نفر از آقایان بای این ورقه را امضاء کرده اند و چنانچه شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند بیست و هفت نفر از امضاء کنندگان از جمعیت متعده

کثرتی است که آقای ملک الشعراء هم عضو آن هستند البته آنها در اصلش تغییر عقیده ندارند حالا اگر بعد از مشاوره با بعضی از رفقای خودشان نسبت با فوریت و گذشتن امروز تزلزلی پیدا کرده اند البته نه من می خواهم با آنها همچو توهینی بکنم و نه آقای ملک الشعراء با آنها توهین خواهند کرد که در اصل مطلب تردید پیدا کرده اند . چهل و دو نفر این پیشنهاد را بقصد فوریت امضاء کرده اند حالا می خواهم معلوم کنم که اگر اکثریت مجلس هم میل دارد با فوریت بگذرد البته با فوریتش رای می دهد و هیچ دعوائی هم در اصل مسئله نداریم فرمایشاتی را هم که آقای ملک الشعراء می فرمایند مبنی بر سوء تفاهمی است که نموده اند . فرمودند لفظ مهاجمه و مضطر و وحشت می گوئی و تهدید می کنی بنده هیچکس را تهدید نمی کنم بنده می خواهم تهدید نشویم و می خواهم جناب عالی و سایر آقایان که اینجا هستند تهدید نشوند و یقیناً هم دارم که هیچ کس نمی تواند ما را تهدید کند و البته می دانم تمام آقایان هم عقاید ثابتی دارند و روی امضای خودشان می ایستند و مقصود خودشان را هم پیش می برند و هیچ واژه و هراس ندارند ولی یک چیزی را بنده مجبورم متذکر شویم آقای ملک الشعراء را مراجعه دهم بنوشته ام و مقالات پر آب و تاب خودشان که از نقطه نظر فکر خودشان می نوشتند و بکرات در این مقالات از مروت و دایمیز دند و می گفتند هر کسی در این مملکت مقاصد خودش را پیش برده یا پیش می-خواهد برد استفاده از این حس مروتیت ما میکند و الله اعمال قوم و نه اعمال سرنیزه و نه اعمال چیز دیگری می کند هیچ نیست مگر استفاده از

مروتیت . این را هم تصدیق می کنید که فقط اهالی ایران تنها ما افتاد هشتاد نفری که اینجا هستیم نیستیم مردم دیگری هم هستند افکار دیگری هم هست . بنده اگر از مهاجمه و مضطر یا مهاجمه و وحشتی کردم مقصودم ایشان نبوده برای اینکه نه ایشان از تهدید می ترسند نه بنده و هیچکس هم نمی تواند بنده را ایشان را تهدید کند و هر وقت هم عقیده داشته ایم و لوا اینکه آن عقیده در آن موقع مخالف احساسات اهالی مملکت هم بوده استاده ایم و گفته ایم بعد از این هم نه ایشان و نه بنده از هیچ چیزی نمی ترسیم ولی باید فکر این قضیه را کرده حالا بنده نمی خواهم داخل در اصل مسئله بشوم چون مذاکره در مسئله فوریت است والا اگر می خواستم داخل در اصل موضوع بشویم بنده تقاضا می کردم قید را از من بردارند تا شرح مذاکرات و مراسلاتی که در این موضوع شده در آن جا بگویم ولیکن چون مذاکره در اصل مطلب نیست من آنها را کنار می گذارم در هر صورت ما که این پیشنهاد را امضاء کرده ایم عقیده مان با فوریت است آقایان می گویند باشد برای روز شنبه دیگر مشاخره مراجع باین امر نداریم منازعه هم نداریم آقایان مصرند در اینکه بماند برای روز شنبه بنده هم مصر با فوریت هستم و این بسته بیک رائی است که باید مجلس بدهد آقایانی که مقررند باینکه قضیه روز شنبه حل شود رای ندهند ما که معتقد با فوریت هستیم رای می دهیم اکثریت بهر طرف رای داد البته ما کم قضا یا است رای داد بماند آنوقت روز شنبه می آیم قضایا را طرح و مسائل را حل می کنیم و اما اینکه آقای ملک فرمودند که از بنده پرسیدند . چرا در آن موقع که رای دادید امروز را پیش بینی نکردید و بنده عرض کردم نفهمیدیم و چرا ما فرمودند شاید امروز هم نفهمید بنده اگر عرض کردم نفهمیدیم نه این بود که این معایب از فوریت قضیه برخاسته و مقصود این نبود که فوریت خوب بود باید بنده مدافع فوریت بوده و هستم و از امروز تا هر وقت دیگر هم هر قضیه مثل این قضیه بمجلس ایران بیاید باز مدافع فوریتش هستم و عقیده هم آزاد است عقیده سر کار بمطالع است بنده هم دارم ولی همانطور که آقای مدرس فرمودند تصدیق و خوب توضیح دادند که این مسئله یک امر غامضی نیست . مذاکره در این است که دولت ایران باینکه بگوید یا در ظرف حرف بزند کدام بهتر است؟ البته باید تقریباً بیست نفر مشتری حرف بزند بهتر است و این که عرض کردم نفهمیدیم بنده خودم را عرض کردم نفهمیدم مجلس را عرض نکردم بنده اگر آنروز مداخله کردم برای این بود که یک سوابق و عقایدی نسبت بکمیانی استا ندارد اوایل داختم و مستغنی میدانستم در صورتی که او طرف مذاکره است دولت با کس دیگری داخل مذاکره شود و قید فوریت مسئله اشتباهی نبود اگر اشتباه کرده بودیم از برای ماهیت و هویت قضیه بود و این اشتباه از برای هر کس در بدو

امر ممکن است باشد ممکن است بنده ابتدا کمیانی استاندارد اوایل را بیک صورتی شناخته باشم و در عمل طور دیگر خود را معرفی نماید ولی حالا موضوع بحث آن کمیانی یا کمیانی دیگر نیست آقای ملک فرمودند که میخواهند رای خودتان را متزلزل کنید خیر ابتدا نمیخواهیم رای خود را متزلزل کنیم حالا هم بنده عقیده ام این است که اگر این امتیاز را کمیانی استاندارد اوایل بگیرد از تمام کمیانیهای دنیا بهتر است برای اینکه قدرت و استطاعت بیشتر است و ما هم محتاج بقدرت و استطاعت هستیم ولی البته اگر در یک اصول حیاتی و اساسی فیما بین ما و او اختلاف نظر باشد خود آقای ملک اول کسی خواهد بود که آنرا ملغی کند ولی هنوز بآنجا نرسیده است شما بدولت گفته اید که با کمیانی استاندارد اوایل مذاکره کند و یک صورت امتیازی تهیه کرده و بمجلس بیاورد.

آیا دولت آمده گفته است که بالاخره شرایط بین دولت و استاندارد اوایل چه شده است؟ خیر پس امروز مانعی خواهیم اورد متزلزل بکنیم.

متزلزل کردن یا ثابت نمودن روزی خواهد بود که شرایط کمیانی روی این تریبون طرح شود روزی که دولت بموجب ماده چهار قانونی که از مجلس گذشته امتیاز را بمجلس بیاورد باید تصویب کنیم تا آن امتیاز امتیاز شود و هنوز امتیازی در بین نیست اگر امتیاز را آوردند و ما دیدیم صلاح است آن را تثبیت می کنیم و اگر صلاح نبود لغو می کنیم لکن ما در اصل قضیه امروز هیچ حرف نمی زنیم فقط می گوئیم یک کاری بکنیم که رئیس الوزرای ایران بایک یا دو یا چهار کمیانی آن هم کمیانی معتبر مستقل امریکائی بتواند مذاکره کند و نگوییم نمی توانیم پیشنهاد های شما را بپذیریم و مطالعه کنیم برای آنکه مجلس دست مرا بسته است پس اگر امروز دست او را باز کنیم بعقیده بنده بهتر است تا فردا اگر فردا هم باشد باز عرضی ندارم اما در اصل مسئله که بنده اختلافی نمی بینم و اینکه آقای ملک فرمودند شما می خواهید این را متزلزل کنید و آنوقت می ترسم دو نفر نباشد سه نفر باشد بنده نظر ایشان را خوب فهمیدم و کاملاً هم با ایشان و آن وحشتی که دارند موافقم ولی تعجب می کنم چرا بنده فرمودند وحشت دارم گویا عبارت را درست دقت فرمودند

اصلاحی که گفتیم بشود این بود که بعد از کمیانی استاندارد اوایل قید شود و کمیانی های مستقل امریکائی دیگر و مقصود امریکائی بود نه کمیانی دیگر اگر از نقطه نظر ملیت است که وزارت خارجه شما کمیسیون شما مجلس شما رای داد به ملیت امریکا یعنی نه کمیانی مستقل امریکائی

پس از نقطه نظر آمریکائی است بادو ، سه کمیائی، چهار کمیائی، ده کمیائی مذاکره شود تفاوتی ندارد و هیچ رأی مجلس شورای ملی هم متزلزل نمیشود نه مخالف میل و اما اگر آن وحشتی که شما پیدا می کنید از چیز دیگر است اگر مجلس شورای ملی و شما مایل به تهدید نباشید و نترسید و بایستید هیچ چیزی در شما تأثیری نمی کند و حکم شما متاع است

اگر شما حاضر نبودید هیچ دولتی قادر نبود با کمیائی آمریکائی راجع به نفت شمال صحبت کند اگر دولت ایران پس از سالها فلاکت يك سیاست ثالثی را اتخاذ کرده برای وجود این مجلس بود و از تصدیق این رأی شما بود که روی این کرسی های و کالت نشستید و نترسیدید و رأی دادید و باز هم رأی خودتان را خواهید داد و هیچکس نمی تواند نه شمار ارقام کند و نه تهدید نماید بشما این آن ثالثی را که شما می فرمائید بنده از او نمی ترسم و هیچکس هم نمی ترسد.

( بعضی از نمایندگان گفتند

مذاکرات کافی است )

رئیس — رأی می گیریم اول بتقاضای فوریت برای اینکه فقط يك شور بشود بعد رأی خواهیم گرفت که فی المجلس مذاکره بشود و بکمسیون برود. آقایانی که رأی میدهند يك شور شود قیام فرمائید.

( اکثر قیام نمودند )

رئیس — تصویب شد. حالا رأی می گیریم که فی المجلس مطرح شود یا نه برای بعد . یعنی خود مجلس باین عکار رسیدگی کند یا برود بکمسیون آقایانی که تصویب می کنند به کمسیون نرود قیام فرمائید.

( اغلب قیام نمودند )

رئیس — تصویب شد. حالا باید رأی گرفت که در این جلسه مذاکره شود یا نه برای بعد آقایانی که تصویب میکنند در این جلسه رسد کی شده و رأی داده شود قیام فرمائید.

( چند نفری قیام نمودند )

رئیس — رد شد. جلسه آتی روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه مذاکرات امروز در لایحه راجع بحق العبور راه دماوند خواهد بود

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

موتن الملك

جلسه صدودو

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه بیستم جوزا ۱۳۰۱

مطابق سیزدهم شوال ۱۳۴۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب برپاست

آقای موتن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه هجدهم جوزا آقای امیرناصر قرائت نمودند رئیس — در صورت مجلس ایرادی هست؟

مدرس — عرضی داشتم

رئیس — بفرمائید

مدرس — در جلسه گذشته راجع به اعزام شصت نفر بنده دوماه مسئله عرض کردم یکی آنکه بجای محصل صاحب منصب نوشته شود و عبارت وافی باین مسئله نیست دیگر آنکه صاحب منصب ارشد می باشد که آنها را مراقبت و نظارت بکنند و در صورت مجلس باین مطلب ثانوی اشاره نشده است در صورتی که بمقیده بنده اشاره بآن مسئله اهمیت دارد

رئیس — اصلاح میشود آقای ملک الشمره

( اجازه )

ملك الشمره — بنده در صورت مجلس

عرضی ندارم.

رئیس — صورت مجلس با این

اصلاح تصویب شد دستور امروز دو مطلب است یکی پیشنهاد چهل و دو نفر از آقایان نمایندگان راجع بامتیاز نفت شمال و دیگری لایحه حق العبور خط طهران الی دماوند ماده اول قانون ليله اول قوس مطابق پیشنهادی که آقایان کرده اند تغییر میکند و از قرار اینست که قرائت میشود

آقای منتصر الملك بشرح آتی قرائت قرائت نمودند

مجلس شورای ملی ایران واگذاری امتیاز حق استخراج نفت ابالات مفصله الاسامی شمال ایران را بکمیائی استانداد اوایل یا کمیائی معتبر مستقل آمریکائی دیگری تصویب مینماید نقاط مزبور شامل ابالات آذربایجان گیلان استرآباد مازندران و خراسان خواهد بود

رئیس — آقای ملک الشمره

( اجازه )

ملك الشمره — در جلسه گذشته

این مسئله بطور فجائی و بی سابقه و با اصطلاح علی الغفله یکمرتبه در اطاق برق زد و باطرزی که دیده شد بمضاع رسید و در مجلس آمد بنده را کاملاً متامل کرد همه آقایان میدانند هم آقایانی که امضاء کرده بودند و هم آقایانی که امضاء نکرده اند که در قضایای مهمه سیاسی و اقتصادی و کلیه مسائلی که مربوط بحیات و ممت مملکت است در کلیه این قضایا ورد قبول این مسائل تمام نمایندگان مسئول خواهند بود چه آن هائیکه رأی مثبت اظهار می دارند چه آن هائیکه رأی منفی میدهند و بمقیده بنده حتی اشخاصی هم که امتناع می نمایند باز در نتیجه نزد وجدان خود مسئول

قضایا هستند زیرا اگر يك نفر نماینده قضایائی را منافی مصالح مملکت بداند و از رأی دادن امتناع نماید مسئول است و بالاخره باید مخالفت یا موافقت کنند در هر صورت اگر نتیجه يك رأی بد بشود آن ممنوع هم بالاخره مسئولیت دارد و اگر قضایا بخیر مملکت خاتمه یافت باز بالاخره در بردن بهره و نصیب و ثواب و اجر البته تمام سهم هستند در این صورت البته آقایان باید تصدیق بفرمایند که چنین قضیه مهمی که صورت ظاهر او فوق العاده داده و موافق باطبع و ملایم ولی حقیقت و باطن او فوق العاده بیج اندر بیج و قابل توجا و نگرانی است شایسته این بود که لا اقل با تمام نمایندگان دو مجلس خصوصی مذاکره میشد و قضیه تحت مطالعه در میاید و با عقلای مملکت و اشخاصی که از اوضاع کار مطلع بودند مشورت میشد آن وقت بمجلس میآمد البته تصدیق دارید که اگر يك مطلب فوق العاده لازمی بود و مقیدین باین امر عجول بودند و حرارت زیاد داشتند ممکن بود این قضیه را صبح مبادرند در مجلس و تقاضا می نمودند که نمایندگان از مجلس خارج نشوند و در خارج یاد در مجلس خصوصی تا عصر یا تا شب قضیه را بنظر همه رسانده و حل کرد آن وقت بیاورند بمجلس و رأی بدهند تمام بشود ولی متأسفانه این مسئله صورت نگرفت و در خارج مجلس هم بلی اشخاصی غیر مسئول و افرادی که همیشه يك کمیلوهائی در مسائل مهمه سیاسی از قدیم الایام تا امروز داشته و دارند و اشخاصی که میخواهند افکار خودشان را در خارج ببرند و بمجلس تحمیل کنند مذاکره شده بود و سابقه هم داشت و شاید از يك ماه الی دو ماه قبل این مسئله داشت ساخته و آماده میشد ملاقات ها رفت آمده ها دید و بازدید ها کمیلوها دید نهائی در خارج مجلس می میشد من هم میدیدم ولی میدانستم مقصود چیست و چه نتیجه می خواهند بگیرند ولی وقتی این مسئله در اطاق تنفس بین دو قسمت جلسه برق زد حقیقتاً باعث سوء ظن بنده شد و در خارج مجلس هم به بعضی از آقایان رفقا که امضاء کرده اند عرض کردم خوب بود یک قدری در این مسئله تعمق میفرمودند و بفرا کسیون ها صحبت میکردید و نظریه تمام را جلب می کردید آنوقت این پیشنهاد را میکردید گفتند خیر این یک مسئله است که فجائی بمجلس آمده است و باید مذاکره شود و در خود مجلس تصمیمی اتخاذ شود ولی حالا که این طور است و احتمال میدهم بین اکثریت یا سایر نمایندگان نگرانی پیدا شود خوب است در مجلس يك نفر برخیزد و خواهش بکند که این قضیه بماند برای جلسه بعد این مذاکرات در خارج بین رفقا شد بعد که آمدم در مجلس بنده اجازه خواستم

به تندی يك دست بردن به تیغ بدندان کز و پشت دست دریغ بایستی تامل کرد و قضایا را با خون سردی حل کرده بالاخره مسئله بطوریکه آقایان مسبوق هستند تمام شد و گذشت و افتاد بجلسه امروز و چنانچه عرض شد قیافه مجلس و قیافه بیانات آقایان را در مسئله ظنین کرد چون انسان حق دارد در بعضی موارد ظنین بشود اگر سایر آقایان این حس را نکرده اند بنده در آن حال این حس سوء ظن را پیدا کردم و در یکی دوشبانه روزیکه مشغول مذاکره بودیم در خارج یک رشته اقداماتی شد و بالاخره در روزنامه جات مقالات تندی آمیخته به تهمت بر علیه مخالفین نوشته شد در صورتیکه عرض کردم مخالفتی نه بود و فقط گفتیم از آن جلسه بماند باین جلسه معذالك از عجله و حرارتی که یکمده از آقایان داشتند مقالاتی به عنوان مخالفینی در روزنامه ها و فوق — آماده ها نوشته و از مخالفین تعجب کردند و بعد هم بعادت مستمره جاریه و همشه گی که آقایان مطلع هستند لوایعی بر ضد مخالفین دستور داده شد و نویساننده شد و اجرت داده شد و یکی بعد دیگری طبع و منتشر شد در صورتیکه عرض کردم ما مخالفتی نکردیم بودیم و تقاضای تامل کرده بودیم و آقایان همه تماماً در این تامل همراه بودند غیر از شاهزاده نصرت الدوله و یکی دو نفر موافقین ایشان که مخالفت کردند و متأسفانه در لوایعی که دستور داده شد نویساننده شد پیشنهاد کنندگان و موافقین

معلوم شد که قبل از بنده هم یک نفر از آقایان اجازه خواسته است این بود که تقاضا کردیم این مسئله بماند برای جلسه دیگر تا در اطرافش خوب صحبت بشود و اگر عده معدودی یا محدودی از این قضیه اطلاع دارند مسئله را بپخته اند آخر دیگران هم باید بدانند و با اطلاع و بصیرتی کامل در يك چنین قضیه مهمی صرف نظریا اعمال نظر بکنند این بود که اکثریت هم رأی دادند این قضیه بماند برای جلسه دیگر ولی در همان جلسه هم از طرف شاهزاده نصرت — الدوله يك حرارت ها و بیانات شدیدی در اطراف این قضیه شد که در همان آن بیشتر از بیشتر بنده را ظنین نمود و بنده قبلاً مسئله را ساده تر از موقعیکه ایشان آن اظهارات را می نمودند میدانستند ولی بعد حرارت و تندی شاهزاده نصرت الدوله بنده را ظنین تر و نگران تر از سابق نمود که فوق العاده تعجب شدم که شاهزاده نصرت الدوله که همیشه در قضایا خون سرد و بردبار و ملایم بودند چه شد که در این مسئله در مقابل تقاضای دو نفر و کیل آنقدر حرارت نشان میدهند این بود که بنده هم عرض کردم در مسائل با بالاخص در این قبیل مسائل مهم حیاتی نباید عجله و تندی کرد.

به تندی يك دست بردن به تیغ بدندان کز و پشت دست دریغ بایستی تامل کرد و قضایا را با خون سردی حل کرده بالاخره مسئله بطوریکه آقایان مسبوق هستند تمام شد و گذشت و افتاد بجلسه امروز و چنانچه عرض شد قیافه مجلس و قیافه بیانات آقایان را در مسئله ظنین کرد چون انسان حق دارد در بعضی موارد ظنین بشود اگر سایر آقایان این حس را نکرده اند بنده در آن حال این حس سوء ظن را پیدا کردم و در یکی دوشبانه روزیکه مشغول مذاکره بودیم در خارج یک رشته اقداماتی شد و بالاخره در روزنامه جات مقالات تندی آمیخته به تهمت بر علیه مخالفین نوشته شد در صورتیکه عرض کردم مخالفتی نه بود و فقط گفتیم از آن جلسه بماند باین جلسه معذالك از عجله و حرارتی که یکمده از آقایان داشتند مقالاتی به عنوان مخالفینی در روزنامه ها و فوق — آماده ها نوشته و از مخالفین تعجب کردند و بعد هم بعادت مستمره جاریه و همشه گی که آقایان مطلع هستند لوایعی بر ضد مخالفین دستور داده شد و نویساننده شد و اجرت داده شد و یکی بعد دیگری طبع و منتشر شد در صورتیکه عرض کردم ما مخالفتی نکردیم بودیم و تقاضای تامل کرده بودیم و آقایان همه تماماً در این تامل همراه بودند غیر از شاهزاده نصرت الدوله و یکی دو نفر موافقین ایشان که مخالفت کردند و متأسفانه در لوایعی که دستور داده شد نویساننده شد پیشنهاد کنندگان و موافقین

این مسئله را که گفتند بماند برای جلسه دیگر مخالف جلوه دادند و فحش دادند و تهمت زدند و با آنکه قضیه فوق العاده ساده و دور از سیاست است صورت قضیه را مربوط به سیاست و چه ترتیبات دیگری کردند که فعلا نمی خواهم داخل آنها شوم البته این رسم همیشگی ما بوده است از ابتدای - مشروطیت تا کنون هر فکری که داشته ایم ره عقیده را که دارا بودیم حاضر نه بوده ایم آن عقیده را با برهان و دلیل اقامه کنیم و بشکل منطقی و مطابق جریانات اجتماعی ملل متدینه به مرض انتقاد افکار بگذاریم و با سایر طبیعی خود قضایا را حل کنم خیر آشنائی را با این اصول نداشته ایم و همیشه از ابتدا و بادی امر اصول زندگانی را ما بر روی دماغی و عوام فریبی بوده و - قضایائی را که میخواستیم حل کنیم با تهدید و فشار بوده و باتیر و ریز کردن افکار با تهمت ها و بهتانهای عجیب و غریب می خواسته ایم مقاصد خود را انجام بدهیم و گاهی هم موفق میشدیم و بالاخره این رسم شوم و یلید و زشت بوسیله اشخاصی که خودشان را قائم و لید و میدانستند در این مملکت اجرا شده و بالاخره ما خیال میکردیم در همین دوره چهارم این تظاهرات از طرف کسانی که بیشتر مسئول حل قضایا هستند منسوخ شده و از بین خواهد رفت ولی متأسفانه این حس یلید و زشت هنوز از دماغهای بعضی بیرون نرفته و چون این فشارها و تهدیدها و لایحه ها و هوها و تهمت ها و هنگامه ها منتشر شده بنده شرمند را بیشتر ظنین کرد که تصور اینکه یقین کردم که اگر قضیه ساده بود و حقیقه مسئله سطحی و نظری بود دیگر لازم نبود در مقابل آن پیشنهاد ساده که بنده تقدیم کردم این قدر حرارت بخرج داده شود و اینقدر مقاله نویسانده شود و شاید سوء ظن بنده تا این حد هم رفت که این قدر پول چراغ خرج کردند شاید عرض کردم سوء ظن بکنفر ظنین اگر هزار مرتبه باو فحش و تهمت و حمله بشود بالاخره حق پیدا می کند که سوء ظنش زیاد شود و این سوء ظن باعث شد که در اطراف این قضیه بنده و کلیه نمایندگان با هم مذاکره بکنیم و بطور طبیعی مذاکراتی در فرا کسیون ها و جلسات مختلفه کرهیم و بالاخره مسئله بجائی رسید و اطلاعات در حدودی خاتمه پیدا کرد و بالاخره بنده را نگران به مخالفت سوق داد و با اینکه آقایان تصور می کردند وقتی لایحه منتشر کند و مخالفین این پیشنهاد را مخالفین ملیت و دشمن مملکت که مربوط بکجا و کجا بکنند و نسبت رشوه و ارتشا بدهند و ملک الشعراء را تهدید کنند در صورتیکه خودشان ملک الشعراء را میشناختند که از تهدید و حمله و فشار فرار میکنند ملک الشعراء همان ملک الشعراء است که در عهد تزاری و عهدی که هشت هزار سر نیزه قزاق روسی در خراسان بود

همین ملک الشعراء آنجا تاسیس جمعیت سیاسی کرد همین ملک الشعراء آنجا نو بهار سیاسی ایجاد کرد همین ملک الشعراء آنجا که حالامی خواهید با چهارتا ورق پاره او را بترسانند و از میدان بدرش ببرند در مقابل هشت هزار نفر قزاق روسی و مقابل ستمهای تزاری با آن همه سر نیزه مقاومت کرد و آنقدر حرف زد تبلیغ کرد و در بیداری قوم کوشش کرد که هنوز در خطه خراسان يك فکرات جمع و يك متشبث بخارجه پیدا نشده نمایندگان خراسان حاضرند از حالات روحیه اهالی خراسان تحقیق کنید و به پیشد آید در خراسان دو تحت مساعی این ملک الشعراء و ورقهای چاره ترش و خود آقایان که اینجاست تشریف دارند چه قدر مساعی شده و بالاخره چه قدر مقاومت شد تا آخر ملک الشعراء را تبعید کرده اند و به طهران آوردند و در طهران میخواستند حبس کنند و روزنامه اش را توقیف کردند دو باره بخراسان تبعیدش کردند و دفعه از اینجا به آنجا تبعیدش کردند مع هذا تهدید از میدان در نرفت و در مقابل فشارها و زورها ایستادگی و مقاومت کرد در زمان کمیته مجازات خواستند همین ملک الشعراء را بکشند زیرا موافق میل دیکتاتور ها نبود همه اینها ملک الشعراء با شهادت خود آقایان که او را تهدید می کنند مقاومت کرد و آن کسی که برخلاف مظالم و جنایات آنها حرف زد و گفت که مملکت باید امن باشد حکومت باید مقتدر باشد مرکز ثقل مملکت باید معین باشد مرکز ثقل و مجلس از برای مملکت لازم است همین ملک الشعراء بود شاید ملک الشعراء بواسطه دوستی با بعضی اشخاص بد مقابل حمله باشد اما خود ملک الشعراء خود را خائف و جبان و ترسو و رشوه گیر و دزد خائن نمیدانند خود را طر فدار ایران و ایرانی میدانند و امتحانات کافی و وافی داده است و ثابت کرده است که طماع و دزد نیست و در مقابل هیچ تهدیدی نمی ترسد و نمی گریزد و عقیده خودش را در میان شعله آتش خواهد گفت فقط بدبختی ملک الشعراء این است که در سیاست دخالت کرده و با سیاسیونی آمیزش کرده و آشنا شده است که نخواسته اند او را درست بشناسند و بالاخره در این زمینه زیاد طول بپایز نمی کنم و از آقایان معذرت میخواهم و میل دارم که بنده که یک نفر ساکت و مطیع پارلمانی هستم و این جا این اظهارات را میکنم حق بدهند این اظهارات را بکنم زیرا نسبت بهریک از آزادی طلبان که می خواهد حرف حق بزند و از روی عقیده وجدان يك می خواهد قدم بر دارد دل او را شکستن و باو صدمه زدن و جان او را آزرده سازا نیست چون دل من شکسته و آزرده بود حق خواستم این عرایض را بکنم ولی بیش از این در این باب چیزی عرض نمی کنم و در آتیه از اشخاص که خواستند فکر مرا تروریزه بکنند و با سه چهار تا ورق پاره مزدور مرتشی همراه شدند و بمن تهمت زدند ان شاء الله انتقام خود را

یشت این کرسی خطابه و در صفحات روز - نامه خودم خواهم گرفت و فعلا مسکوت عنه می گذارم و می آیم در سر اصل مطلب در فرا کسیون يك عده از آقایان صلاحاء بنده موافقت کردند و گفتند که نباید احساسات را در سیاست دخالت و در مسائل سیاسی و اقتصادی و بالاخره قضایایی که دامنه دارد قضایایی که عواقب خطیری دارد در این قضایا نبایستی عجله کرد باید تأمل کرد و عجله نکرد و وزیر بار دیکتاتوری نرفت و نبایستی در این قبیل قضایا میسر سه چهار نفر که نشسته اند و بین خودشان مسئله را حل کرده اند و در وقت بحران وقت را غنیمت شمرده و فکر و عقیده و سلیقه خودشان را می خواهند پیش ببرند رفتار کرد وزیر بار این مظلومه رفت باید در این خصوص بیشتر دقت کرد و بنده هم دارای همین عقیده بودم گفته شد که مجلس شورای ملی پنج ماده بنام مقدمه امتیاز تصویب کرده است اگر چه شاهزاده نصرت الدوله در جلسه قبل فرمودند ما آن روز نفهمیدیم و رأی دادیم بنده این را قبول ندارم زیرا بنده فهمیدیم و رأی دادیم هم سابقه داشتم هم از روی فهم و ادراک رأی دادم و سایر آقایان هم حتماً فهمیده اند و رأی داده اند زیرا نظر سابقه هائی که آن کار داشت يك کمیانی معتبر آمریکائی که می خواست سرمایه خود را در شمال ایران بریزد و این قسمت مسلم مملکت ما را آباد کند آن کمیانی استاند ار اوایل معرفی شده بود و بالاخره مامی بایستی به عجله و فوریت رأی بدهیم و رأی هم دادیم و ضرب لاجل هم قرار ندادیم که اگر تا فلان مدت این کار را نکردی امتیاز تو ساقط است چرا برای اینکه ترسیدیم مخالفین آزادی ما و مملکت ما آن دولت هائیکه صد سال است ایران را از ترقی باز داشته اند و آن دولت هائیکه امتیاز راه آهن از ما می گرفتند و احتکار می کردند که ساخته نشود و آنها می که از هر ترقی و ارتقائی برای این مملکت بوسائل ممکنه مانعت می کردند و بالاخره آنهائیکه می خواستند دولت ما مثل يك یوشالی که ما بین دو لوله لامپا گذاشته می شود که بهم نخورده باشد و بقول یکی از آقایان که ترجمه می کرد حال پیرز را داشته باشد آن اشخاص مراقب میدانستند اگر این قدم برداشته شود بضرر آنها خواهد بود برای دولت يك محظوراتی و موانعی می تراشیدند و يك قضایائی باقوای منظم خود تهیه میکردند که ما نتوانیم این امتیاز را بدهیم ولی آن روز بنده این نگرانی و احتیاط را نداشتم زیرا عقیده بنده این است که اگر مجلس شورای ملی با وجدان يك و عزم ثابت بخواهد حق خود را فهمیده و دانسته بدیگری انتقال بدهد یا امتیازی بدهد یا حقیقتی را بگوید یا قانونی وضع

کند نباید خائف باشد و بترسد و بالاخره بدین باشد و خیال کند که اگر در پنج دقیقه ما این کار را انجام ندهیم صورت نخواهد گرفت و بنده اگر چه برخلاف این عقیده بودم.

ولی چون دیدم این خیالات برای مجلس تولید شده بود و گفتند از این نقطه نظرها باید زود رأی بدهیم مبادا اشکالی تولید بکنند.

بنابر این ما هم آمدم و نشستم و با اطلاع کامل يك قانونی در تحت پنج ماده نوشتیم و ضرب لاجل هم قرار ندادیم زیرا که ترسیدیم مبادا تا آن مدت ضرب لاجل بازی هائی از طرف همان مخالفین و بیگانگان ماجراجو پیدا شود که مادر آن مدت نتوانیم مذاکرات خودمان را بجائی برسانیم و پس از تمام شد مدت یا فشار هائی وارد بیاورند یا کمیانی های دیگری را اغوا کنند برانگیزانند و بالاخره یا بمجلس تلقیناتی بکنند و رأی داده نشود زیرا بنده و همه می دانستیم که مخالف استقلال ایران و مخالف آبادی ایران است و تا مملکت آباد نشود استقلال نخواهد داشت استقلال فرع آبادی و ثروت داشتن راه آهن است.

بعضی از نمایندگان - حالا هم استقلال داریم استقلال منافات با نداشتن راه آهن ندارد.

هندوستان هم راه آهن دارد و استقلال ندارد.

**ملک الشعراء** - شما چرا با بنده طرف می شوید ( و مرا هومی کنید! اگر حرفی دارید اجازه بخواهید بعد بگوئید چرا هومی کنید مگر نشنیدید که گفت ملک الشعراء از هودر نمی رود و نمی ترسد...

**رئیس** - ( خطاب بنمایندگان ) بگذارید مطالب خود شان را اظهار کنند.

**ملک الشعراء** - بلی عرض کردم بنده از هو نمی ترسم و از میدان در نمی روم گوش بدهید این عرض بنده در روزنامه ها نوشته خواهد شد و آنوقت اگر خلاف بوده معاذ الله خواهد کرد.

یعنی ملت ایران از نقطه نظر حقیقت مرا معاذ الله خواهند نمود.

پس چرا مرا هومی کنید آنها می دانستند استقلال فرع آبادی است و می دانستند که اگر مملکت آباد شود استقلال حقیقی و واقعی پیدا می کند و دیگر تسلیم اجتنبی نخواهد شد.

آنها می دانستند که يك ملت با حسن را جز با فقر و عسرت و فلاکت و بی اسبابی و با فساد اخلاق که از بی بولی ناشی می شود نمیشود از بین برد و صید کردن صیادان

ماهر دانستند ملت وسط آسار باید با فشار فقر و پریشانی صید کرد  
اول باید خراب و فاسدشان کرد بعد خودشان بدام خواهند آمد

اینکه فرمودید (هندوستان) هندوستان هم راه نداشت آبادی نداشت هندوستان هم خراب بود آبادی حقیقی موافق اصول جدید نداشت

آنروز هم هندوستان بی علم و بی هنر و فاسد الاخلاق بود

مدرسه و مکتب نداشت بدتر از ایران

حالا بود در هندوستان بواسطه بی اسبابی و صعب العبوری قریب سیصد و چهارصد

راجه و چندین مملکت بلوک الطوائفی بود که

توانستند آنرا صید کنند اگر هندوستان

آن روز مثل امروز راه آهن میداشت و

مدرسه میداشت سرمایه میداشت شاگردان

امریکا برگشته میداشت البته شکار مردم

دنیا نمیشد پس از این اشخاص و این مخالفین

و یا بعقیده بعضی این دلسوزهای مملکت

میخواستند بگذارند مملکت ما آباد شود

و امتیاز فقط شمال بهیج کس داده نشود

دیروز هم میخواستند امروز هم میخواهند و

فردا هم خواهند خواست این بود که ما

دیده و دانسته این امتیاز را دادیم برای

اینکه مصادف به این محظورات نشویم

در پنج ماده این امتیاز و اعطای تصویبنامه

را نوشتیم و با کمال میل و رغبت آنرا تصدیق

کردیم و بدینا گفتیم که ما بفلان کمیانی

امتیاز دادیم و در تمام جراید عالم نوشته

شد که مجلس شورای ملی ایران امتیاز

کشف معادن نفت شمال ایران را بکمیانی

استاندارد اوایل داد در ماده پنج این امتیاز

و این قانون یا این تصویب نامه هم نوشته

که کمیانی مزبور نمی تواند بهیج وجه با

هیچ کمیانی خارجی یا سرمایه دار دیگری

این امتیاز را انتقال بدهد مگر با مراجعه

به مجلس شورای ملی و بدون مراجعه به مجلس

حق ندارد و کمیانی دیگری را شرکت

بدهد امروز که شش ماه و نیم است که این

مسئله در جریان است و پیدا است که کار

بکجا رسیده و غالب از آقایان میدانند و

متأسفانه بواسطه ضعف مملکت و افاضای

دیگران قضیه هنوز مطابق میل و احساسات

و آرزو و آمال ملیون خاتمه پیدا نکرده

است ولی حالا آقایانیکه اظهار نگرانی

میکند از برای چه هست اظهار نگرانی شان

از پیشنهاد فعلی است میگویند این پیشنهاد

را باین شکل یعنی قبل از اینکه ما بهانه

از کمیانی استاندارد دایل بدست بیاوریم

تصویب کنیم و روح و مواد آن تصویبنامه را

تغییر بدهیم آن وقت بی اعتباری مجلس

شورای ملی ایران را بدینا اعلام کرده ایم

زیرا ما دیدیم دولتهای ما کاملاً بی اعتبار

بودند و در ایام فترت و مصیبت اعمال خود

را نشان داده یعنی مقاله نامه ها نوشتند و

امتیازات دادند و حرف ها زدند و بالاخره در زمان خودشان هم نتوانستند بجای آورند چرا برای اینکه برخلاف آمال ملی بود و اعتبارات دولتهای ما در نهان فترت از بین رفت و در همه جا گفته شد که دولتهای ایران بواسطه بحران ها و تغییرات پی در پی و بواسطه عدم نقطه اتکاء ثابت و بواسطه اینکه مجلس شورای ملی دیر دیر تشکیل میشود اعتبار ندارند و مشکل است بشود با دولت ایران معامله کرد ولی مجلس شورای ملی معتبر بود؟

**یکی از نمایندگان** - حالا هم هست؟

**ملك الشعراء** - مجلس شورای

ملی تنها مرکز نقل مملکت بود و تنها

مرکزی بود که تمام اعتبارات سیاسی و

اجتماعی و تمام حیثیات ما و مملکت ما منوط

و مربوط باین مجلس بوده است و بدیهی است

این مجلس مقدس و محترم و این مجلس

مقدس که اگر کج اندیشی خود ما نباشد

بهیچ وجه جائز نیست طرف حمله و اعتراض

واقع شود این مجلس بیچاره امروز مهمترین

مراکز قدرت ملی است و تنها مرکز است

که هر چه ما داریم و باید داشته باشیم و

تمام آرزوهای ما باید در اطراف این مجلس

دور بزند و حل بشود و باید در این مجلس

يك اعتبار و رونق و حیثیتی باشد که بالاخره

آن اعتبار و رونق و حیثیت منتج بشود که

نگرانی آن اشخاص را هم که با این موافق

نیستند رفع کند که در خارج بگویند که

مجلس ایران يك امتیازی را در يك تاریخی

تصویب کرد و یکمادی مرتب و تصویب نمود

و يك کمیانی داد ولی قبل از اینکه از طرف

مقابل تعرضی بآن مواد بشود آن را نقض

کرد و يك جمله الحاقیه باو ملحق نمود و

آن الحاق آن قانون را بکلی تغییر شکل

داده و او را عوض کرد و شاید آنوقت حدس

بزنند و خود من هم شاید خیال کنم که ممکن

است کمیانی استاندارد اوایل چون حس کرده

است که دولت ایران و مجلس ایران با

پیشنهاد او موافقت ندارد و آن وقت این

پیشنهاد را بهانه قرار داده و بگوید که چون

شما این قانون را بهم زدید و شکل آنرا

تغییر دادید اسباب یأس من شد زیرا که من

هنوز شما اظهار یأس نکرده بودم حالا که

آمدید آن امتیاز و قانون را بهم زدید و

خراب کردید دیگر من حاضر نیستم با

شما مذاکره کنم آنوقت او از بین برود و آن

کمیانی دیگر هم که از نقطه نظر او بالاخره

از نقطه نظریش بردن فکر و عقاید او ما

داریم اینطور عجله میکنیم آن کمیانی هم

مطابق بعضی سوء ظن هائیکه ممکن است پیدا

نماید از بین برود و بگوید من می خواستم شما

معامله کنم ولی چون شما در حین مذاکره با

من مذاکره با کمیانی دیگر قطع کردید من

حاضر نیستم شما مذاکره کنم آنوقت نتیجه که دشمنان و مخالفین ما میخواهند ببرند یعنی باین ماندن يك نقطه و خراب ماندن شمال ایران بدست ما یا بدست همان تهدید کننده گان بی حیا و آن شب نامه نویس ها و روز نامه نویس های بی وفا حاصل شود این نگرانی اولی بود که آن اشخاص خیال می کردند که خود این عجله و اصرار که اصولاً يك اقدام صحیحی نیست باعث شود که کمیانی استاندارد اوایل از میان برود و کمیانی دیگری هم اگر بخواهد از روی حقیقت و دوستی با ما معامله کند وقتی تنها ماند شاید يك پیشنهاداتی که خیلی نازلتر از آن باشد روی میز ما بگذارد و بگوید آقایان این است پیشنهاد های ما آنوقت ما بالاخره دستمان از اولی خالی شده و این یکی هم را يك پیشنهاد های عملی با ارائه نداده این نگرانی اول بنده بود و در اطراف آن خیلی صحبت ها شد و اطلاعاتی در این يك شبانروز تحصیل شد که لازم نیست گفته شود و شاید خارج از موضوع باشد باز هم در اطراف این قضیه مذاکره دیگری بود و آن این بود که اساساً ما نمی نداریم در عین اینکه با کمیانی استاندارد اوایل مذاکره می کنیم و در همان هنگام هم پیشنهادات سایرین مراجعه کنیم (چنانکه آقای مشیرالدوله مراجعه فرمودند) و بینیم اگر حقیقتاً این پیشنهاد سلینکلر موافق تر و مفیدتر با حیثیات عمومی است آنوقت پیشنهادات اولی را که یک قسمتی مربوط به این است که کمیانی نفت جنوب را صدی سی یا فلان مقدار شرکت بدهد به مجلس بیاورند و چون مجلس بموجب ماده پنجم شرکت دیگران را با آن کمیانی تصویب نکرده قطعاً قضیه خاتمه پیدا می کند و البته دولت می تواند پیشنهادات دیگران را بگیرد و با دیگرانهم مذاکره کند و از آنها سند بگیرد که وقتی پیشنهاد استاندارد اوایل رد کرد در مقابل او یکی باشد و معلوم باشد کمیانی سلینکلر بدولت چه میدهد چون امروز می بینیم سلینکلر بدولت پیشنهاد می کند حاضر است که صدی شانزده از عایدات خالص نفت را بعد از وضع مخارج به پردازد و پیشنهاد کمیانی استاندارد اوایل صدی ده از کلیه مستخرجات نفت است و وقتی حساب میکنیم می بینیم صدی ده این میشود صدی سی ولی صدی شانزده آن همان صدی شانزده است.

بنابر این ممکن است این پیشنهاد را که بالاخره رای مجلس و اعتبار مجلس را متزلزل میکند آقایان در آینده بطور دیگر پیشنهاد کند و بشکل دیگر و طور دیگر دولت را وادار کنند با سلینکلر یا کمیانی های دیگری که در امریکا هستند مذاکره نماید و بالاخره صورت کار را طوری قرار دهند که با اعتبارات ما ضرر وارد نیاید و الا آنوقت استاندارد اوایل از بین میرود در صورتی که کمیانی دیگری هم با قبول رسمی نداده است و ما با يك ثالثی مصادف میشویم که آن ثالث را هم شاید مجلس

شورای ملی بعضی ملاحظات نخواهد دخالت دهد و بواسطه این نظریات و یاره قضایای دیگر بود که بعضی از رفقای ما این طور صلاح دیدند که اولاً ما باید بنشینیم و کمیسیون تشکیل بدهیم و در آن کمیسیون صلاحی ملت و عقلای جماعت باشند و دسیسه های مربوط به این قضیه را در آن کمیسیون بیاورند و مخالفین و موافقین در آنجا حاضر شوند و مسئله مطرح شود اگر در نتیجه دیدن آن اسناد آقایان صلاح اصلاح دانستند که این قضیه تصویب بشود آنوقت مخالفین هم شرکت مخالفت نمایند و اگر صلاح ندانسته موافقت نکنند امروز ما اینجا مانديم نه هار خوردیم و بدسیسه های مربوطه مراجعه کردیم و سرتا پای آن ها را دیدیم و چیزی بر معلومات ما اضافه نشد جز عرایضی که عرض کردم و جز اینکه پیشنهاد استاندارد اوایل این است که گفته شد پیشنهادات دیگران هم که هنوز بطور رسمی تلقی نشده است بنابر این این پیشنهاد ممکن است باعث متزلزل معامله استاندارد اوایل بشود و آن کمیانی هم معلوم نیست تا چه حد معتبر و ثابت است تا چه اندازه در مقابل مشکلاتی که هست مقاومت کند و چقدر میتواند سرمایه خود را در این مملکت بیاورد و تا چه اندازه میتواند شرایط خودش را با استاندارد اوایل موافقت بدهد و بما از کلیه مستخرجات نفت صدی ده عاید میشود و این صدی شانزده بعد از وضع مخارج و یا بالاخره قبل از این که ما بدانیم این کمیانی تا چه حد موافقت خواهد کرد اگر بیک چنین پیشنهاد رای بدهیم اعتبار رای سابق را که فهمیده داده ایم از بین می بریم در صورتی که معلوم نیست این کمیانی های نفتی تا چه حد حاضرند با ما معامله کنند و آنوقت شش هفت ماه دیگر بگذرد و يك مشکلاتی پیش بیاید و بحران های متوالی ایجاد بکند تا عمر مجلس چهارم تمام بشود و این قضیه ناتمام بماند و بالاخره منتها آرزوی مخالفین ما که عدم آبادی مملکت است حاصل شود این نقطه نظر ما بود که مادر نگرانی خود باقی ماندیم و از این تلکرافات و اسناد هم بیش از آنچه عرض کردم چیزی کشف نشده مخالفین ما هم حاضر شده اند با ما موافقت کنند و بالاخره قضیه به مجلس کشانده شد و بنده ناچار شدم این عرایض را عرض کنم ما پیشنهاد کردیم که چون این مسئله صحبتش در مجلس شده است و طرف توجه است مسکوت عنه بماند و يك هفته دو هفته در اطراف آن بحث شود و رای قطعی در اطراف آن داده نشود تا به بینم نتیجه اولیه این پیشنهاد چه میشود تا به امریکا اطلاع بدهند و جواب بیاید به بینم آیا لعن استاندارد اوایل بواسطه این پیشنهاد فرق میکند یا خیر و آیا نتیجه این پیشنهاد مفید است یا مضر آنوقت اگر چنانچه چه انعکاس این قضیه مفید بودن آن را بما